

# پیام کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به مردم ایران بمناسبت نهمین سالگرد انقلاب بهمین

سلطه غارتگرانه امپریالیسم در میهن ما بود. انقلاب نشان داد که در برابر جبر و قیام خلق، حاکمیت ستمگران و جباران را برای پایداری نیست و بغای فرمانروایی آنان با همه هیبت ظاهری چون خانه های کاغذین فرو می ریزد.

مردم ایران با سرفکون کردن رژیم شاه، در پی آن بودند که ایرانی صلح خواه، مستقل، آزاد و آباد بنا کنند. توده های دهها میلیونوی مردم، به خاطر بقیه در صفحه ۲

در استانه نهمین سالگرد انقلاب بهمین، خاطره شکوهمند رژیم استوار، جانباژی، قهرمانانه و قیام حماسی خلق را گرامی می داریم و به روان پاک شهدایی که در راه اهداف مردمی و شریفانه انقلاب جان باختند، درود می فرستیم.

\*\*\*

انقلاب بهمین ۵۷، بزرگترین حماسه تاریخ معاصر ایران و بارزترین تجلی خشم و نفرت مردم ما علیه ستم و بیداد رژیم شاهنشاهی پهلوی، این پاسدار



دوشنبه ۲۶ بهمن ۱۳۶۶ برابر ۱۲ ژوئیه ۱۹۸۸  
بها ۶۰، ریبال سال چهارم شماره ۱۹۴

## سرمایه های کلان، دزدهای کلان تر

درباره "سازمان بیمه های اجتماعی" و اوضاع دردآور بهداشت و درمان در کشور، تا کنون بارها و هر بار اژیک ژاویه مطلب فوشته شده است. کمیابی دارو و نبود امکانات درمانی، بی اعتبار بودن کامل دفترچه های بیمه، سرگردانی بیماران بیمه ای، و شرح سنگین بیمارستانهای خصوصی، احتکار دارو و باژار سیاه درمان" هر یک می تواند ژاویه ای برای ورود به مسئله مهم بهداشت و درمان در حکومت اسلامی محسوب گردد. اما مقاله حاضر، نگاهی است به موضوع از ژاویه کاملاً متفاوت و فاشگر. اخیراً وزارت بهداشت جمهوری اسلامی اعلام کرد: "این وزارت بر طبق قانون ملزم به دریافت سه بیست و هفتم (۹/۲۷) حق بیمه آن سازمان به منظور ارائه درمان به بیمه شدگان می باشد و به موجب قانون و تالیف های جهت اعلام نحوه مصرف و صورت حساب حق بیمه های دریافتی را به هیچ دستگاهی ندارد..."

اعلام رسمی این موضوع از جانب یکی از نهادهای رسمی دولتی در سایه حکومت اسلامی، نگاه نخست بدین معنات که وزارت بهداشتی هم مثل دیگر نهادها از "حق پوشش" برخوردار است و به موجب قانون به هیچ دستگاهی حساب پس نمی دهد. تا اینجایچون موضوع به بافت خان خاکی حکومت جمهوری اسلامی برمی گردد، مایه تعجب بقیه در صفحه ۷

## بحران، بارگاه خلافت را به لرزه افکنده است

مروری بر هشت ماه پیکشمکش از بحران قدرت در رژیم

است (اصل ۹۶)، فقق کخدا؟ کدام کره گاه بارگاه ولایت را به عرصه درگیری ها کشاند؟ و زمینه های تدبیر جدید خمینی چه بود؟

برای پاسخ دادن به این پرسشها، باید حداقل هشت ماه به عقب باورگردیم. وجه مشخصه این هشت ماه، این است که در آغاز آن، خودداری صریح و سکوت خمینی در مورد موضوع اختلافات قرار دارد و در پایان آن، موضعگیری صریح به سود یک طرف.

در روز ۱۴ خرداد سال جاری، اعضای مجلس و شورای فکتهبان به چهاران رفتند و فستجانی در این ملاقات، به "آچیز"ی که در زمینه تصویب قوانین ایجاد شده است اشاره کرد و گفت: ما نیاؤ به دخالت و کمک صریح جناب عالی داریم... غیر او شخص جناب عالی هیچ کس وزیر این آسمان وجود ندارد که بتواند مسائل را حل بکند... امروز اگر جناب عالی به داد این مقلد... شریکو مشکلات قانونگذاری را... حل نفرمائید، ما نمی داریم که در آینده چه کسی پیدا خواهد شد که بتواند این مهم را انجام بدهد." (رادبوی رژیم - اخبار ۱۴ خرداد)

خمینی در آن زمان به این التماس رئیس مجلس آخوندی واقعی فکته داشت و پاسخ داد: "من بنا بقیه در صفحه ۲

در شماره گذشته شریبه، خبر تشکیل مرجعی را دادیم که قرار است با اختیارات محول شده اؤسوی خمینی، در مورد کلیه قوانینی که موضوع اختلاف مجلس و شورای فکتهبان شود، تصمیم فهایی را اتخاذ کند. تعداد و ترکیب کسانی که علاوه بر فقهایی شورای فکتهبان در این مرجع عضویت دارند، به گونه ای است که عملاً حق و تسوی مصوبات مجلس را اؤشورای فکتهبان سلب می کند.

دخالت مستقیم خمینی در کشمکش های درون حکومت که بافتوهای او در مورد "مبارزه با کرافی" قانون کار و قانون معادن آغاز شد و با سرؤش خامنه ای به خاطر "عدم شفاخت از ولایت مطلقه" ادامه یافت، اینک با تفویض قدرت اجرایی در اعمال "حکم حکومتی" به مرجعی ماقوق شورای فکتهبان، به اوج خود رسیده است. با توجه به کاسته شدن پسر خلیفه چهاران به عنوان ناظر در مرجع ناظر در مرجع جدید، به نظر می رسد این دخالت لااقل در زمان قابل پیش بینی تداوم خواهد داشت.

کدام ضرورت و کدام مصلحت خمینی را بر آن داشته است تا بدینگونه آشکار، قانون اساسی خود را که می گوید "تشخیص عدم مغایرت مصوبات مجلس... با احکام اسلام با اکثریت فقهایی شورای فکتهبان"

## خلق فلسطین، پرتوان می رزمند



## در این شماره

بلوچستان

عرصه تاخت و تاز سرسپردگان دور رژیم

در صفحه ۶

\*\*\*

رژیم ترکیه، پناهنده ایرانی را

به جمهوری اسلامی تحویل داد

در صفحه ۱۱

\*\*\*

از زندگی مهاجرین ایرانی در پاکستان

در صفحه ۱۰

\*\*\*

حاکم شرع خمینی و مسئله کمبود کبوسول گاز

در صفحه ۱۰

\*\*\*

کنفرانس جهانی

سندیکاها و امنیت اقتصادی بین المللی

در صفحه آخر

## بحران، بارگاه خلافت را به لرزه افکنده است

بقیه از صفحه اول

ندارم که امروز صحبت کنم... مشکلات را با تدبیرهایی که دارید رفع کنید... خلیفه چماران، به عبارتی دیگر در آن زمان گفت تدبیری در کیسه اش ندارد که به حکومت گران بدهد و مشکلات فقهی را راضی تراند حل کند.

در همان زمان، به طور دقیق تر در روز ۱۲ خرداد، رفسنجانی در یک مصاحبه مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی تشکیل کمیته مشترکی به منظور «ماهنگی بین مسئولین» را اعلام داشت. وی گفت در این کمیته خود او، رئیس جمهور، رئیس دیوانعالی کشور، نخست وزیر، اعضای شورای عالی قضایی، هیات وزیران، روسای کمیسیون های مجلس و اعضای شورای نگهبان عضویت دارند (اکثریت ۱۶۱).

و بازم در همان روزها بود که خامنه ای و رفسنجانی در نامه ای به خمینی در مورد حزب جمهوری اسلامی کسب تکلیف کردند و خمینی این حزب را «تحلیل» اعلام کرد.

این همه را که کنار هم بگذاریم، روشن می شود که تا خردادماه سال جاری، بحران قدرت در رژیم آخوندی به جایی رسید که علامتانه برداشتن هرگونه گام مهم در عرصه قانونگذاری، واجرا شده بود. ظرف سه سال، از ۲۲ طرح و لایحه مصوب مجلس، ۱۰۲ مورد آن توسط شورای نگهبان وتو شد. رفسنجانی در همان زمان به خوبی می دانست که تدابیری مانند تشکیل «کمیته مشترک» هم حلال مشکلات نخواهد بود. رئیس مجلس و شاکرد فوادرضیعی، کلید کشایش امور را در نزد استادش جستجو می کرد.

آن روز خمینی «بنا داشت» صحبت کند. اما در اواخر تیرماه، رفسنجانی اعلام کرد که خمینی به عنوان نخستین گام در تقویض اختیارات به دولت، اجازه «تغزیرات گرانفروشان» بدون حکم دستگاه قضایی را صادر کرده است. ماههای تابستان، هنگام راه اندازی چاروچنگال «مبارزه با کرائی» بود. علیرغم مخالفتهایی که از جانب برخی «مجتهدین» ابراز شد، تغزیرات حکومتی حکم تمرین برای سنجش کارایی «حکم حکومتی» را یافت.

در آذرماه، خمینی فتواهای خود در مورد قانون کار و معادن را فیض بر «تغزیرات حکومتی» افزود و در دیماه با جواب روشنی که به خامنه ای داد،

موضع خود را صراحت بیشتری بخشید. «حکم حکومتی» و «ولایت مطلقه» شل همه مجالس آخوندی شد و طبق معمول مجامع مختلف در تبیین و تسجید از این مفاهیم نو، برگزار گردید. اما در عین حال، تنش ها ادامه یافت. جناح «فقه سنتی» که با تحولات جدید، به عقب نشینی واداشته شده بود، دست به تلاشی زد تا بارها کردن سزگراهی «سوخته» و دست کشیدن از استدلال هایی که خمینی مهربلان بر آنها زد، راههایی جدید برای حفظ مواضع مهمتر و اصلی بپاید. خزعلی از آخوندهای شورا، نگهبان در روز ۴ بهمن ضمن سخنانی تاکیدی کرد: «اصل مالکیت در اسلام از اصول مسلم است... آنهایی که اعضای شورای نگهبان را طرفدار فنودال می نامند باید فکر کنند و پخته صحبت کنند» آخوند محمد یزدی، نایب رئیس مجلس و پیر و دیندار از جناح «فقه سنتی» نیز در مصاحبه ای، باروزنامه رسالت (۷ بهمن) کوشید ابعاد اختیارات محوله به دولت از سوی خمینی را محدود جلوه دهد و اظهار داشت:

«... اگر به این میات وزیران که قوه مجریه است اختیار داده شد... این اختیار در جهت مسائل دیگری که دارای قوانین است وجود ندارد». یزدی در مورد شورای نگهبان فیض تاکیدی ورزید: «نظام شورای نگهبان جز قوه مقننه است یعنی مجلس بدون شورای نگهبان رسمیت ندارد و آن چه که در مجلس تصویب می شود باید به شورای نگهبان برود و شورای نگهبان نیز باید آثرا بررسی کند تا خلاف قانون اساسی و خلاف شرع نباشد و فقهای شورای نگهبان از مجتهدین هستند یعنی تقلید برای آنها حرام است و نمی توانند تقلید کنند...»

«بارها در طول هفت سال عمر مجلس و شورای نگهبان، این مورد را داشته ایم که شورای نگهبان می گوید مسئله خیلی روشن است که اگر این مصلحت باشد، این حکم راضی توان عرفی تر کرد... اما اینکه شامی گوید این مصلحت را فقط از این راه می توان تامین کرد باید این را برای ما روشن کنید...»

آخوندهای شورا، نگهبان به صراحت گفتند ما «عمل خلاف»ی انجام نداده ایم که لازم باشد توبه کنیم. به قول خزعلی و یزدی، «همین

بوده هست و تا زمانی که این نظام وجود داشته باشد همینطور خواهد بود.»

کار به جایی رسید که صدای اعتراض موسی اردبیلی رئیس دیوانعالی کشور بلند شد. وی در «سینار تبیین ولایت مطلقه فقیه» در قم در یک جلسه پرسش و پاسخ شرکت کرد. از قاضی القضاة خمینی سؤال شد: «آقای امامی کاشانی (عضو فقهای شورای نگهبان) گفتند ما سابقا از نظر امام اطلاع داشتیم و عمل نکردن به آن به این دلیل بود که فکر می کردیم این نظرات حکم نیست... وی علما به امامی کاشانی حمله کرد و گفت: «من بیانیه را خیلی صریحتر از آن می دانم که اجمالی در آن وجود داشته باشد و این جواب (جواب امامی کاشانی) قانع کننده نیست...» (کیهان ۲۶ دی) موسی اردبیلی در روز اول بهمن، در جلسه مشابیه، بازم در قم، خبر تشکیل کمیسیونی از سوی خمینی به عنوان مرجع نهایی پس از رد لوایح از سوی شورای نگهبان را تلویحا تایید کرد.

در روز ۱۷ بهمن، جزئیات تدبیر جدید خمینی به عنوان صاحب اختیار «ولایت» و تکیه زنده بر مسد خلافت، برای سکتس بن بست تصمیم گیری در جمهوری اسلامی و برداشتن گامهایی برای حل بحران قدرت، اعلام شد. از بی تدبیری و سکوت خلیفه چماران در خردادماه، تا آخرین تدبیر او در بهمن ماه، هشت ماه پر کشش گذشت. خمینی باردیگر، همچون دفعات متعددی در سالها، گذاشته، ناپارند وزنه سنگین حکم خود را به کف ای که فعلا به صلاح دیده است بیاکند.

آیا دوره اقتدار «شورای نگهبان» در رژیم آخوندی به سر رسیده است؟ و یا هنوز این آغاز پایان کار این نهاد است؟ آیا دیگر سد «شورای نگهبان» در برابر مجلس سربل نخواهد آورد؟

در شماره گذشته گفتیم که قانون اساسی جمهوری اسلامی، برای نهادی کردن رابطه دستگاه سنتی روحانیت و حکومت، ارکان شورای نگهبان را پیش بینی کرد. ایده تشکیل چنین شورایی، ابتکار بهشتی و سایر تدوین کنندگان قانون اساسی آخوندی نیست. در قانون اساسی مشروطه نیز بر زمینه ای از نفوذ و اقتدار آن زمان دستگاه روحانیت، وجود شورای

فقها برای کنترل مصوبات مجلس شورای ملی پیش بینی شد. اختیارات این شورا چیزی در حد اختیارات شورای نگهبان در جمهوری اسلامی بود، اما کاهش سریع نفوذ آخوندها در حیات سیاسی و اجتماعی از اواخر دوره قاجار، این شورا را به فراموشی سپرد.

هنگامی که خمینی در پاریس بود، لبرال های، مذهبی اطراف او طرحی برای قانون اساسی جدید نوشتند که در آن نفوذ با توجه به شرایط روز، نامی از ولایت فقیه برده نشده بود. اما خواست دیرین روحانیت برای احیای «شورای فقها» مورد توجه قرار گرفته و در طرح منظور شد. همین طرح به عنوان مبنا، مورد بحث «مجلس خبرگان» قرار گرفت. با اینکه در این طرح سخنی از ولایت فقیه نبود، خمینی آن را در بهار سال ۵۸ «بدون اشکال» خواند. بعدها در مجلس خبرگان با مناسب دیدن شرایط ولایت فقیه را نیز به طرح قانون اساسی افزودند. علاوه بر ولایت فقیه، شورای نگهبان نیز به جای خود باقی ماند. شش عضو قدرتمند این شورا باید فقیه و مجتهد باشند. در دستگاه روحانیت، «مجتهد» یک رده پایین تر از «مرجع تقلید» است. مجتهد مرجع تقلید نیست، اما مقلد هم نیست، خود «اجتهاد» می کند و برای خود فتوا می دهد. به جز خمینی، چند «مرجع تقلید» دیگر نیز وجود دارند. هر یک از ایشان مانند خمینی چند مجتهد تحت نفوذ خود دارند. بنا بر این حساب ساده عددی را هم که ملاک بگیریم، «خط امامی های» پروپاقرص، کسانی که از دهها سال پیش شاکرد خمینی بوده اند، در میان «مجتهدین» اکثریت را تشکیل می دهند. خمینی در انتخاب فقهای شورای نگهبان ناچار بود این واقعیت را در نظر بگیرد. مصلحت نظام جمهوری اسلامی نیز این بوده و هست که پیوندی ارگانیک با دستگاه سنتی روحانیت، با وجود چند مرجعی بودن آن، داشته باشد و تنها به آخوندهای شاکرد خمینی اتکا نداشته باشد. خمینی، پاره ای از لقمه چرب و نرم «قدرت» را جلوی آخوندهایی انداخت که آنچنان که رفسنجانی برای، استاد سینه چاک می کند، مرید خلیفه چماران نیستند.

این تدبیر، علیرغم کارساز بودنش، نمی توانست به نطفه بحران در نظام حقوقی جمهوری اسلامی، که تقسیم قدرت در رژیم آخوندی را سامان می دهد، تبدیل نشود. خود ولایت فقیه، با مقتضیات و

## پیام کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) بمناسبت نهمین سالگرد انقلاب بهمن

بقیه از صفحه اول

استقلال، دموکراسی، سعادت و شیک بختی، عدالت و پیشرفت اجتماعی، انقلاب بهمن را بپا کرد. تجربه بار دیم نشان داد که عزم استوار و رزم دلاورانه خانی، مادام که به انتقال قدرت به خلق فیماجماد و دولت متکی بر اراده کارگران، دهقانان و همه اقشار دمکرات و ترقیخواه جامعه برپا نکرده، نمی‌تواند به تحکیم و شکوفایی دستاوردهای خدامیریالیستی و دمکراتیک انقلاب و توده‌های مردم بپا نجامد.

خمینی که مردم به او اعتماد کرده بودند، به جای استقرار حاکمیت مردم در کشور، "حکومت مطلق الهی" یا ولایت مطلقه فقیه را که همان استبداد مطلقه فقیه است، بر مردم تحمیل کرد و سلطه سیاه و نکبت بار استبداد مطلقه را در سراسر جامعه گسترده ساخت. در طی استقرار رژیم ولایت فقیه، دستاوردهای انقلاب یکی پس از دیگری، اوصاحبان اصلی انقلاب، یعنی توده‌های مردم، بازستانده شد و نیروهای انقلابی و مردمی، ساؤمان‌ها و احزابی که در راه صلح، استقلال، دموکراسی و عدالت و پیشرفت اجتماعی، یعنی در راه اهداف انقلاب و خواست‌های مردم مبارزه می‌کردند، تحت پیگرد و سرکوب خویشین قرار گرفتند و در عوض غارتگران مردم و چپاولگران و دزدان بیت‌المال عمومی برای یک‌تاؤی، میدان یافتند. خیانت خمینی و دیگر سران جمهوری اسلامی به مردم و تعرض ردیلائه آنها به دستاوردهای انقلاب بهمن، انقلاب مردمی ما را تا کما کرد. اکنون توده‌های مردم به تجربه دریافته‌اند و درمی‌یابند که ولایت فقیه خمینی، رژیم است ارتجاعی، چنگ افروز و ضد خلقی که با ادامه آن فقداننج و بدبختی توده مردم زحمتکش بیشتر می‌شود.

تغی راه دستیابی توده‌های مردم به خواست‌هایشان، درهم شکستن بیوغ استبداد مذهبی و سرفکونی جمهوری اسلامی است. هم میهنان عزیز!

استبداد مذهبی در کشور بیداد می‌کند. رژیم ولایت فقیه، رژیم استبداد مطلقه فقیه است و آؤادیهایی سیاسی را که انقلاب به قیمت خون هزاران شهید به ارمغان آورده بود، سبعاشه پایمال کرده است. نقض حقوق بشر و سرکوب خویشین نیروهای انقلابی و ترقیخواه، شکنجه و اعدام زندانیان سیاسی، پایمال کردن وحشیانه حقوق زن‌ان و به بعد کتیدن اقلیت‌های ملی و مذهبی، رژیم خمینی را در کنار مغفورتین رژیم‌های جهان قرار داده است.

چنگ ایران و عراق که اکنون هفت سال است ادامه دارد، به فاجعه‌ای میهنی و همه گیر بدل شده است. خاخوانده‌ای نیست که قربانی نداده و خاخانه‌ای نیست که به ماتمکده بدل نشده باشد. چنگ، بر همه شون زندگی فردی و اجتماعی در کشور، سایه شومش را انداخته و باعث تشدید بحران اقتصادی، افزایش گرانی، گسترش بیکاری، بی‌مکنی، آوارگی، فقر، اعتیاد، فحشا و فساد شده است. سیاست اقتصادی رژیم، اکنون مدنهاست که به سیاست اقتصاد جنکی تبدیل شده است. در نتیجه این سیاست، نابرابریهای اجتماعی دامنه فزونی یافته است. ادامه چنگ ایران و عراق، در شمار بزرگترین خیانت‌های رژیم خمینی علیه انقلاب و مردم ما است. در ادامه این چنگ هه توده‌های مردم ما و نه مردم عراق، میبیک ذی نفع نیستند. چنگ اهرمی در دست خمینی برای مستحکم تر ساختن رژیم ولایت فقیه در کشور است و او با بیرحمی تمام در برابر خواست مردم و نیروهای ترقی‌خواه کشور، دایر بر استقرار صلح، عفاذ می‌ورزد و با تلاش‌های

صلح جویانه‌ای که در سطح بین‌المللی برای خاموش کردن آتش چنگ صورت می‌گیرد، به مقابله برمی‌خیزد. چنگ در خدمت و دوند پشت پرده خمینی و دیگر سردمداران رژیم او با امیریالیسم آمریکا است و چوفاان عاملی در جهت گسترش حضور و نفوذ امیریالیسم در منطقه، تاثیر می‌کند. چنگ در خدمت منافع امیریالیسم در منطقه و طبقات ارتجاعی در دو کشور ایران و عراق است.

با آنکه چنگ هر دو کشور را اؤنفس انداخته است، اما با وجود این، رژیم خمینی با بسیج نیرو و تحت عنوان "جهاد مالی و چانی" و ادامه عملیات چنگی تلاش می‌کند همه اقدامات صلح جویانه برای پایان بخشیدن به این چنگ اهلیمی را عقیم کند و مانع اجرای قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت بشود.

هم میهنان!

علیه رژیم ولایت فقیه، رژیم چنگ افروز و مستبد حاکم، مبارزه را تشدید کنید! برای برقراری بدون قید و شرط آتش بس، در راه اجرای قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت مبارزه کنید! علیه استبداد مذهبی و خفقان حاکم، علیه نقض آؤادیهایی دمکراتیک و پایمال کردن آؤادیهایی سیاسی، علیه باؤدداشت، شکنجه و اعدام انقلابیون و میهن پرستان کشور، در راه آزادی زندانیان سیاسی بیکار کنید! علیه چپاول دسترنجان، علیه بهره‌کشی و تبعیض، و در راه عدالت اجتماعی، دامنه مبارزات خود را گسترده تر سازید! بخاطر صلح، آؤادی و سرفکونی رژیم جمهوری اسلامی به پا خیزید!

کارگران! دهقانان! زحمتکشان!

استبداد مذهبی، ادامه چنگ، تشدید بحران اقتصادی، فاشیستی اجتماعی فزاینده‌ای را در صفوف شما دامن گسترانده است. سردمداران رژیم جمهوری اسلامی، از آینده خود بیمناکند. آگاهی فزاینده شما نسبت به خیانت‌های خمینی و دولت‌مردان رژیم او به اهداف انقلاب و ماهیت ارتجاعی حکومت فقها بر بیم آنها افزوده و اختلافات درونی محافل حاکمه را تشدید کرده است. مبارزه بر سرفدرت میان جناح‌های حاکمه، با توجه به چشم انداز انتخابات مجلس و ریاست جمهوری، بیشتر شده و حمایت خمینی از یک جناح، به آن ابعاد تاؤه‌ای بخشیده است. در حالیکه اوضاع در جهت گسترش مبارزات مردم مساعدتر می‌شود، خمینی مانورهای سالوساغه تاؤه‌ای برای فریب شما و باؤدداشتن شما از نبرد قطعی در راه مطالباتتان تدارک می‌بیند. به سیرفک خمینی و دولت‌مردان رژیم او دل خوش نکنید!

نیروهای مبارز و ترقیخواه!

بخاطر صلح، آزادی و سرفکونی رژیم ولایت فقیه متحد شویم! تفرقه در صفوف ما به سود دشمنان مردم ماست و بر عر نکبت بار رژیم خمینی می‌افزاید. تلاش بیکر در راه دستیابی به اتحاد و میجوانه همه نیروهای صلح دوست، ترقی‌خواه، دمکرات و انقلابی کشور، پاسخ ما به خیانت‌هایی است که خمینی علیه مردم و انقلاب ما، مرتکب شده است. دست یکدیگر را برای پیروزی خلق در مبارزه در راه سرفکونی جمهوری اسلامی بشاریم.

گرامی باد خاطره شکوهمند انقلاب بهمن

سرفگون باد رژیم جمهوری اسلامی

کمیته مرکزی ساؤمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

۲۶ ماه ۱۳۶۶

دیگر مانند گذشته از "حق‌وتو" استفاده نکنند. "اعتماد خوب است، اما کنترل بهتر است." "برای غایت احتیاط" مرجعی بالاتر از شورای نگهبان تعیین شده است. با این حال، هنوز معلوم نیست که کشمکش‌ها در دستور خمینی در میان آخوندها بی‌سابقه نیست. اما این بار "فقه سفتی" باید با دقتی چند برابر دفعات گذشته، موقعیت جدید را بسنجد و از امکانات پافیمانده برای حفظ مواضع قدرت بهره‌گیرد.

خودمشغول داشته است. خمینی در حکم برکاماری مرجع نهایی جدید، هنوز از شورای نگهبان با لحن توأم با احترامی فام می‌برد و مرجع مزبور را تقها برای "غایت احتیاط" ضروری می‌داند. او این تعارف را هم در حکم خود گفجانده است که "پس از طی این مراحل زیر کارشناسان (منظور مراحل تهیه قوانین است) ... احتیاج به این مرحله نیست." این تعاریف را می‌توان به تهدید نیز تعبیر کرد که متوجه آخوندهای شورای نگهبان است تا

موضوعیت ندارد. اگر فقهای شورای نگهبان اقتدار خود را حفظ کنند، ولایت خلیفه چهارم "مطلق" نیست. در طول سالها، خمینی کوشیده است با بیشترین توجه به مصلحت کل نظام، این تناقض درونی رژیم خود را هر چه پوشیده تر نگه دارد. این سیاست تا زمانی کارآیی داشته است. اما آیا برای همیشه کارا خواهد بود؟ آیا به قیمت بر بست تصمیم‌گیری، و مالا لنامه به "مصالح" حکومت تمام نخواهد شد؟ ظاهرا همین پرسش‌ها، در طول ماههای گذشته مغز خمینی را به

ضروریات حکومت کردن بر یک جامعه سرمایه‌داری منافات دارد. اما وقتی ولایت فقیه بخواد به ولایت فقها تبدیل شود، این ناهمخوانی مضاعف می‌شود. ساختار ملوک‌الطوایفی روحانیت شیعه، از عهده حکومت کردن بر نمی‌آید. مجتهدیانی که به تصریح خود و طبق قوانین اسلامی، مقلد خمینی نیستند، حق وتوی قوافین نظامی را - لاول تا تحولات اخیر - برعهده داشته‌اند که "قدرت مطلقه" در آن در اختیار خمینی است. با وجود این "قدرت مطلقه"، شورای نگهبان

## گزارش آماری از وضعیت استعدادی کارگران صنعتی و کارکنان دولتی

از سوی معاوضت کار و برقرامه وزارت کار و امور اجتماعی نتایج مقدماتی مرحله اول طرح صدور شناسنامه کارگاههای دانشی کشور و کارگاههای صنعتی با ۱۰ تن شاغل و بیشتر در سال ۱۳۶۵، اعلام شد.

داده‌های گزارش شامل وضعیت سواد، درجه مهارت، استخدام، تاهل، وضعیت شغلی، جنس و سابقه کار شاغلین است که بر اساس نتایج حاصله از مجموع ۶۶۹۹۰۲ نفر شاغل که تا پایان سال ۱۳۶۵، برای آنها شناسنامه کار صادر شده است، ۷۴/۲ درصد حقوق بگیر بخش عمومی، ۲۴/۲ درصد حقوق بگیر بخش خصوصی و ۱/۲ درصد کارفرمایان کارکن فامیلی هستند. بنابه گزارش مذکور، از مجموع شاغلین ۷۴/۸ درصد باسواد و بقیه بی‌سوادند و افراد باسواد ۴۴/۱ درصد دارای تحصیلات ابتدایی، ۱۵/۲ درصد تحصیلات متوسطه، ۱۲/۲۲ درصد دیپلم و ۳/۲ درصد دارای تحصیلات عالی هستند. همچنین ۸۷/۴ درصد شاغلین متأهل، و ۱۰/۵ درصد مجرد هستند. ۹۸/۳ درصد شاغلین متأهل را مردان و ۲/۷ درصد را زنان تشکیل می‌دهند. این نسبت‌ها برای شاغلین مجرد به ترتیب ۸۱/۶ درصد و ۱۸/۴ درصد است. از نظر توزیع درجه مهارت ۲ درصد شاغلین متخصص عالی، ۶۲/۸ درصد کارگر ماهر، ۱۰/۱ درصد استادکار و ۱۸ درصد کارگر ساده هستند.

به گزارش واحد مرکزی خبر بخشی از عملیات اجرای طرح صدور شناسنامه کار توسط اداره کل آمار و مطالعات نیروی انسانی وزارت کار در سال ۶۵، به مرحله اجرا درآمده و در سال ۶۶ نیز ادامه دارد و تاکنون برای ۱/۱ میلیون نفر از مشمولین قانون کار شناسنامه کار صادر شده است. ادعا شده است که هدف از اجرای طرح صدور شناسنامه، تشکیل بانک اطلاعاتی از خصوصیات شاغلین و آماده نگه داشتن این اطلاعات برای برنامه‌ریزی‌های اقتصادی و اجرای بیمه بیکاری است.

علاوه بر گزارش فوق، نشریه "مدیریت دولتی" وابسته به سازمان امور اداری و استخدامی کشور در نخستین شماره خود تصویری از وضعیت نیروی انسانی شاغل در بخش دولتی در سال ۶۵ ارائه کرده است، گزارش نشریه مدیریت دولتی حاکی است که تعداد مستخدمین دولت اعم از رسمی، پیمانی و خرید خدمت که هزینه پرسنلی آنان در قانون بودجه سال ۶۵ ذکر شده است، ۹۰۸/۴۷۷ نفر می‌باشد که با در نظر گرفتن دستکاهایی که اعتبارات پرسنلی آنان در قانون بودجه تفکیک شده، تعداد مذکور به ۱/۴۴۹۶۶۲ نفر در دو بخش مشمول و غیرمشمول بازم می‌گردد.

۶۴/۷۱ درصد از مستخدمین دولت در بخش مشمول قانون استخدام کشوری و ۳۵/۲۹ درصد در بخش غیرمشمول شافل می‌باشند که تعداد آنان به ترتیب (۹۷۱، ۹۲۷، ۶۹۲ و ۵۱۱) نفر می‌باشد. از نظر مدرک تحصیلی: ۸۲/۰ درصد مستخدمین دولتی دارای مدرک دکترا و ۷۷/۸۶ درصد یعنی ۹۰ برابر آن دارای تحصیلات دیپلم و کمتر از دیپلم هستند.

## برگزاری کنفرانس مشترک کشورهای شورای همکاری خلیج و ایران

فراشه نوشت: طی چند روز آینده شیخ زاید بن حنای آل فیهان رئیس امارات متحده عربی به تهران سفر خواهد کرد. به فوشته همین روزنامه، شیخ زاید قبلاً یک دعوت نامه رسمی برای بازدید از ایران دریافت داشته بود. منبع مذکور همچنین خاطر نشان کرده است که در آینده نزدیک سفارتخانه‌های ایران و کویت در تهران و کویت با یکدیگر خواهد شد.

در گزارشهای منتشره از سوی منابع غربی و ایران در زمینه امکان کاهش تنش میان تهران کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس بر نقش دست: تاکید شده است.

## ادیبان و هنرمندان جمهوری اسلامی در انتظار فرمان خمینی

کرده و به طرق گوناگون دست چهره‌های خلاق و شناخته شده هنر اسلامی را بسته است.

در ادامه این اطلاعیه، ضمن تکذیب نقش اعضای "حوزه هنری" در برپایی برنامه "عصر سوره" در بهمن‌ماه سالجاری، از مسئولین تقاضا شده است که "هرچه زودتر مشکلات بوجود آمده از سوی جریانی که ترور فرامین امام و هنر اسلامی را سرلوحه کار خود قرار داده است" به نفع حوزه هنری خاتمه یابد. روز بعد از انتشار اطلاعیه فوق جمعی دیگر از "هنرمندان" رژیم با ارسال نامه‌ای به مطبوعات دولتی تقاضای مسئولان حوزه هنری مبتنی بر رفع مشکل حضور "رسانه‌ها" را مورد حمایت قرار دادند.

بشارتی قائم مقام وزارت امور خارجه و سردی سختگوی این وزارتخانه هفته گذشته در میزگرد سیمای جمهوری اسلامی اعلام کردند که کنفرانس ۷ جانبه معارفین و وزرای امور خارجه کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس در آینده نزدیک با حضور ایران در ابوظبی تشکیل می‌شود.

بشارتی تاکید کرد که معاونین و وزرای خارجه ۷ کشور در گردمایی قریب الوقوع خود در امارات متحده عربی، دستور کار و وزرای خارجه کشورهای شرکت کننده در این کنفرانس را تهیه خواهند کرد. همزمان با انتشار خبر برپایی کنفرانس ابوظبی، روزنامه "رساله" به نقل از خبرنگار:

محسن مخملباف، حمید سبزواری، علی معلم جمعی دیگر از به اصطلاح هنرمندان رژیم که مسئولیت "حوزه هنری" را بر عهده دارند هفته گذشته با انتشار اطلاعیه‌ای ضمن حمایت از فتوای اخیر خمینی که شامل حال آنان نیز می‌شد خواستار مقابله با فعالیت جناح رسالتی‌ها در "حوزه هنری" شدند.

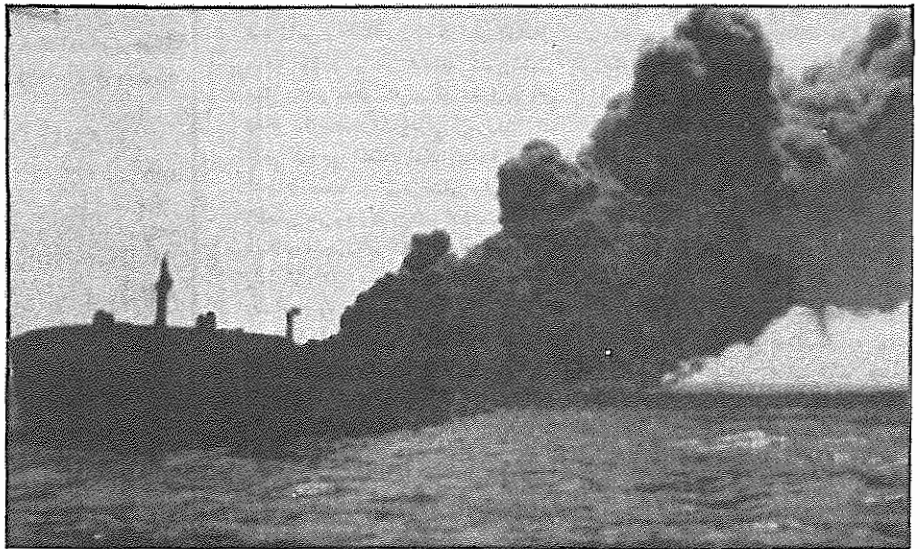
در بخشی از اطلاعیه منتشره از سوی "حوزه هنری" آمده است: "هم اکنون جریان شناخته شده که اینجناز آشنا فرامین و فتاوی رهبری انقلاب را مسکوت می‌گذارد و حتی از تحریف فرمایشات صریح حضرت امام در روزنامه رسالت انبایی ندارد به سرکوب شاعران، نویسندگان و مترجمان حوزه قدام

## رئیس دیوانعالی کشور:

### آزادی در ایران بیشتر از آنچه باید باشد وجود دارد

فعالیت انتخاباتی گروه‌ها و احزاب در چارچوب نظام ولایت‌مطلقه فقهی و تشکیل مجمع مشورتی حل اختلاف سران رژیم، بخشی از سناری موسوی اردبیلی در خطبه‌های نماز جمعه هفته گذشته در دانشگاه تهران بود. رئیس دیوانعالی کشور در ابتدای خطبه به دستجات و جریانهایی که در آستانه سومین دوره انتخابات مجلس به امید تبلیغات عوام‌فریبانه رژیم دست به انتقاد از آزادی‌کشی‌ها و سرکوب و اختناق حاکم بر کشور زده اند هشدار داد و گفت: کسانی که با نزدیک شدن انتخابات نغمه سر داده‌اند که آزادی نیست اگر منظور آنها این است که از زبان مردم حرف می‌زنند باید بدانند مردم با حضور گسترده در راهپیمایی‌ها و جبهه‌ها حرف خود را می‌زنند و شما که ولایت فقیه را قبول ندارید اگر دولت امفیت شما را تأمین نکنند و پلیس حافظ جان شما نباشد، چه خواهید کرد؟ موسوی اردبیلی در ادامه همین بخش از سخنان خود در زمینه آزادی و حدود آن در جمهوری اسلامی گفت: "در ایران آزادی در محدوده و چارچوب قانون شرع وجود دارد، حتی بیشتر از آنچه که باید باشد."

نشد بهد جنگ تانکرها در خلیج فارس



در طول هفته گذشته با افزایش شمار حملات قایق‌های توپدار ایرانی و جنگنده‌های عراقی به کشتی‌های تجارتی و نفت‌کشهای در حال تردد در خلیج فارس، بر بحران و تشنج این منطقه بیش از پیش افزوده شد. طی هفته گذشته نیروهای جمهوری اسلامی به بیش از ۵ کشتی آسیب زدند.

روزی یکشنبه نفتکش آمریکایی ۶۹ هزار تنی "دیان" که با پرچم لیبی در آبهای خلیج فارس حرکت می‌کرد در نزدیکی سواحل امارات متحده عربی، از سوی قایق‌های توپدار جمهوری اسلامی هدف قرار گرفت. راکت‌های شلیک شده از سوی قایق‌های ایرانی، به بخشی از کشتی آسیب رساند. حمله به کشتی "کرونیک" روز چهارشنبه از طرف بیمه لویدز تأیید شد. "کرونیک" پیش از ظهر چهارشنبه در جنوب خلیج فارس و در ۶۴ کیلومتری بگذردوبی در حالی که حامل نفت عربستان سعودی بود، هدف اصابت قایق‌های پاسداران واقع شد. روز بعد نیز خبر کژاری رویتر، گزارش حمله نیروهای جمهوری اسلامی به نفت‌کش فروژی هاپیکر را انتشار داد. بعد از دو ماه سال گذشته این دومین حمله قایق‌های توپدار به نفت‌کش هاپیکر بود. روز جمعه در جریان هجوم

پاسداران به نفتکش دانمارکی، یکی از ملوانان آن کشته شد و به کشتی نیز آسیب شدیدی وارد گردید. این نفتکش حامل نفت عربستان سعودی بود. عراقی‌ها حملات در دربار روز سه‌شنبه با هجوم هوایی گسترده به تأسیسات نفتی جمهوری اسلامی در جنوب خلیج فارس تشدید کردند. رادیو دولتی ایران ضمن تأیید خبر حمله جنگنده‌های عراقی به تأسیسات ایران در حوضه خلیج فارس، ادعا کرد که این یورش را با سرنگوشی سه هواپیمای عراقی خنثی ساخته‌اند.

جنگنده‌های عراقی، علاوه بر حمله به هدف‌های دریایی، روز چهارشنبه یک ایستگاه الکترونیک در شیراز و دو منطقه دیگر را در این استان بمباران کردند. به تلافی این حملات ایران به بمباران منطقه العباره در جنوب شرقی عراق دست زد. عراق گزارش داد که هدف حملات ایران مناطق مسکونی بوده است.

در هفته گذشته جبهه‌های زمینی جنگ نیز کتابیش فعال بود و طرفین با یورش‌های محدود بر آمار کشته‌های جنگ افزودند. عملیات ایران در منطقه میمک در جبهه میانی صورت گرفت.

پاکستان سیزده تن از مزدوران خمینی را آزاد کرد

سیزده تن از مزدوران تروریست خمینی که از تیرماه گذشته به علت قتل ایرانیان در پاکستان در بازداشت به سر می‌بردند، توسط دولت این کشور آزاد و به ایران اعزام شدند. این عده جزو مهاجمینی هستند که روز هفدهم تیرماه، سالجاری با حمله مسلحانه به خانه‌های پناهندگان ایرانی در محله کالیفتن کراچی ۲ تن از ایرانیان را کشته و بیش از ۱۴ تن را زخمی کردند. در همان زمان حمله مشابه دیگری نیز در جنوب پاکستان علیه ایرانیان صورت گرفت که طی آن یک پناهنده ایرانی کشته شد. در بی یورش عده‌ای از مهاجمین کربخته و به ایران بازگشتند و تنها سیزده تن از آنان دستگیر

شدند. دستگیرشدگان اعتراف کردند که به دستور تهران به منظور ترور پناهندگان ایرانی وارد پاکستان شده‌اند.

در زمینه اقدام دولت کراچی برای آزادی مزدوران خمینی خبرگزاری فرانسه به نقل از روزنامه مشرق چاپ پاکستان گزارش داد که این عده به درخواست مقامات دولتی ایران به جمهوری اسلامی تحویل داده شدند. به‌خوشه همین منبع آزادی تروریستهای حوث‌الهی "ژست حسن‌فیتی" است از سوی کراچی در قبال جمهوری اسلامی و در راستای بندوبست‌های دورزیم علیه پناهندگان ایرانی.

برگزاری مانور حفاظت و امنیت تهران و زاهدان توسط پاسداران

به گزارش مطبوعات دولتی، روز شنبه ۱۷ بهمن واحد‌های گشت، کمیته پاسداران اسلامی تحت عنوان مانور آمادگی فعالیت و امنیت تهران، مرکز کشور را اشغال نظامی کردند و تا پایان عملیات بازرسی وسیع در سطح شهر حضور داشتند.

به تأیید سخنگوی روابط عمومی ستاد مرکزی کمیته انقلاب اسلامی، طی این مانور ساختارهای اداری و حساس شهر تهران به کنترل پاسداران درآمد و هزاران اتومبیل در حال تردد بازرسی شد. در طول روز بخشی از پاسداران در میدانها و مراکز استراتژیک شهر مستقر بودند.

بنابراین گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی، عملیات نظامی مشابهی در استان سیستان در زاهدان نیز به اجرا درآمد.

شکار بیکاران برای اعزام به جبهه‌ها

رژیم جمهوری اسلامی برای گسترش دامنه‌سربازگیری و اعزام به جبهه‌ها به روش‌های حيله‌گراانه جدیدی متوسل شده است. یکی از این روش‌ها بدین شکل است که ماموران رژیم با اتوموبیل‌های شخصی به اماکنی که بیکاران در آنجا تجمع می‌کنند، رفته و وانمود می‌کنند که به چند کارگر نیاز دارند. سپس بیکارانی را که به امید چند روز بول با شرایط آنها موافقت می‌نمایند، سوار اتوموبیل می‌کنند. ولی مستقیماً راهی مراکز اعزام به جبهه می‌شوند و بیکاران را اجباراً به جبهه کسب می‌کنند.

گشتی‌ها در تعقیب مسمولین شهر سنندج

جوانان شهر سنندج مدام با ماموران رژیم درگیرند. آنها با ترفتن به سرپازی در برابر فشارهای رژیم ایستادگی می‌کنند. رژیم برای دستگیری مسمولین در کردستان از افراد سپاه، شهرپاشی و ژاندارمری بهره می‌جوید. شهرپاشی سنندج در این زمینه سخت می‌کوشد. در هر خیابان شهر حداقل سه گروه گشت پیاده دیده می‌شود که هر گروه از دو پاسبان تشکیل شده است. آنها بدنبال شکار جوانانند و با دیدن هر جوان از او می‌خواهند کارت پایان خدمت و یا مدرکی مبنی بر عدم مشمولیت ارائه دهند. کشتی‌ها کپتانه درمغازه‌ها نیز بدنبال جوانان می‌گردند. هر که گشت موقت است روزانه چند نفر مشمول رابه کلانتری تحویل دهد. کشتی‌ها پس از دستگیری هر جوان مشمولی به او دستبند می‌زنند و او را با خود می‌برند. جوانان با پیدا شدن سروکله کشتی‌ها سریعاً از منطقه دور می‌شوند و از دست آنان می‌گریزند. بسیاری از مردم برای حفاجان مشمولین از چنگال خمینی، به آنها پناه می‌دهند. مردم بارها موفق شده‌اند جوانان مشمول در محله‌های مختلف شهر را از دست مامورین فراری دهند.

استفاده کارتهای یعنی پایان خدمت یا معافی از جمله شیوه‌هایی است که جوانان مشمول برای گریز از سرپازی به کار می‌گیرند.

خوانین بلوچستان که با وقوع انقلاب بهمین دره‌راس از آتش انتقام خلق رنج‌دیده بلوچ چند صباحی پنهان شده بودند با تحکیم استبداد مذهبی و ضد مردمی رژیم فقها به تدریج در شهرها و روستاهای بلوچستان آفتابی شدند. بخشی از این غارتگران در پی یک دوره کوتاه جنگ و گریز با رژیم پلید خمینی، به خدمت آن درآمدند. بخش دیگری نیز با تکیه بر کمک‌های برخی از سردمداران رژیم سابق و همچنین دولت عراق به درگیری با مزدوران جمهوری اسلامی در بلوچستان ادامه می‌دهند.

ستیز خوانین بلوچ چه آنها که در حال حاضر خدمتگزار رژیم خمینی‌اند و چه آنها که کماکان به جنگ و گریز با آن ادامه می‌دهند، اساساً از مرضی ارتجاعی و در راستای اهداف ضد مردمی و غارتگری هر چه بیشتر صورت می‌گیرد. طرفین این ستیز دشمنان مردم رنج‌دیده بلوچستان‌اند. اکنون بلوچستان عرصه تاخت و تاژ باند‌های مسلح خوانین و سپاه پاسداران است. حضور این سرسپردگان رژیم گذشته و حکومت کنونی در بلوچستان جز ناامنی، تیره‌روزی و فلاکت بیشتر هیچ‌ارمغان دیگری برای زحمتکشان بلوچ نداشته است. در زیر اینبار، از عملکردهای آنان از نظر خوانندگان می‌گذرد.

بنزین به پاکستان و فروش آن در منطقه بلوچستان پاکستان و سپس وارد کردن مواد مخدر و مهمات بی‌وزنه فشنگ به خاک ایران است. این تویوتاها در راه پیشین - منقذ در خاک پاکستان، مند به دیگر شهرهای پاکستان و پیشین - نویندیان و فوایج جنوبی کشور کار می‌کرده‌اند.

امینی و عبدالرحمن با بهره‌برداری از یک شبکه وسیع در سطح بلوچستان و در ارتباط با محمدعلی کشاورز عضو سپاه پاسداران زاهدان، حاجی باقری یکی از مزدوران رژیم در چاه بهار و مسئول سابق سپاه نیک‌شهر، سراج مسئول شکنجه و فرمانده سپاه پاسداران زاهدان، حکیم تیموری از سرسپردگان رژیم در بسیج عشاری و از مسئولین به اصطلاح مبارزه با مواد مخدر در زاهدان مبادرت به توزیع مواد مخدر در سطح کشوری نموده‌اند.

ابراهیم حوت از سرمایه‌داران بعد از انقلاب و از همکاران نزدیک امینی و عبدالرحمن بود. اما این عسکری پس از چندی در نتیجه اختلافات و رقابت‌های موجود بین وی و عبدالرحمن منجر به خصومت می‌شود. حوت در جهت پیشبرد امور خود مجبور به دادن رشوه ای به مبلغ ۱۲ میلیون تومان به عبدالرحمن می‌گردد. این رشوه در واقع به باند قاچاقچیان جمهوری اسلامی پرداخت شد تا خود بتوانند با فراغت خاطر به کسب و کار بپردازند. با این حال بازم مسئول بسیج عشاری پیشین وجود او را نتوانست تحمل کند و ابراهیم در تیرماه ۶۶ بوسیله سپاه پیشین دستگیر شد. تقدیم چک‌های ۵۰ هزار تومانی و ۱۰۰ هزار تومانی ابراهیم برای کمک به "جبهه‌های حق علیه باطل" هم فتواست موجهات آزادی فوری وی را فراهم کند. اما چون او درباره باند امینی - عبدالرحمن اطلاعات زیادی داشت و این خود ممکن بود برای باند قاچاقچیان جمهوری اسلامی در درسی ایجاد کند، پس از سه ماه از زندان سپاه آزادگردید. طرفین بقوعی سانش دست یافتند.

پس از این ماجرا، کمیته شهرستان ایرانشهر که از معاملات و ذوب‌بندیهای قاچاقچیان بی‌تصمیم‌مانده بود به قضیه مشکوک شد. مسئولین کمیته با ابراهیم حوت تماس گرفته و با شرط‌مکاری او وعده ریاست کمیته منطقه پیشین را دادند. این تماس در زمانی صورت گرفت که قرار بود کنترل مرزها در آینده نزدیک به کمیته

سازمان مجاهدین خلق شد. در مرحله بعدی که مرحله اجرای برنامه از پیش طرح ریزی شده بود، تعداد دیگری از پاسداران جهت انجام عملیات، توسط شکرزایی و داماد وی به کراچی انتقال داده شدند و در منطقه بلوچ نشین لیاری در محله کلری در مغزل فردی بنام یارمحمد از اهالی "سرباز" که مقیم کراچی است، اسکان داده شدند. انجام عملیات تروریستی پاسداران خمینی در روز ۸ ژوئیه ۸۷ در منطقه دیگن منجر به مرگ سه مجاهد گردید. پس از این عملیات، پلیس کراچی اقدام به دستگیری تعدادی از ایرانیان و افغانی‌های مقیم کراچی کرد. ۲۰ نفر از پاسداران تروریست در منطقه عملیاتی توسط پلیس

بازداشت شدند. خان محمد شکرزایی شب هنگام اقدام به خروج از کراچی کرد. اما به علت مسدود بودن و کنترل راه‌های ورودی و خروجی شهر حوالی یک آبادی به نام حب (HAB) دستگیر شد. با اینحال با پرداخت ۵۰ هزار روپیه به پلیس رها گردید و بدون درنگ خود را با ماشین به خاک ایران رساند. پاسداران دستگیر شده به پشتگرمی روابط برادرانه زمامداران دولتهای پاکستان و ایران به عمل تروریستی خود اعتراف می‌کنند. دستگیرشدگان پس از مدتی بازداشت در کراچی به اسلام آباد منتقل شدند تا در معاملات سیاسی دو رژیم مورد استفاده قرار گیرند. در ماه نوامبر ۸۷ نیز داماد شکرزایی دستگیر و به اسلام آباد فرستاده شد. شکرزایی این ساواکی دو رژیم کماکان به اجرای وظایفی که رژیم خمینی برعهده‌اش نهاده، پایبند است. خلق بلوچ این پایبندی را بی‌پاسخ نخواهند گذاشت.

**مزدوران جمهوری اسلامی**  
**قاچاقچیان مواد مخدر**  
مسئول بسیج عشاری پیشین و امینی رئیس سپاه پاسداران پیشین از همان ابتدای کار امینی مشترکاً دست به قاچاق مواد مخدر زده‌اند. این دو از این راه تراشیده‌اند حدود ۶۰ دستگاه تویوتای ۲۰۰۰ خریداری و در منطقه به حمل و نقل قاچاق پردازند. از جمله اینکارها حمل

## بلوچستان

### عرصه تاخت و تاژ سرسپردگان دورژیم

#### خان محمد شکرزایی ساواکی شاه و مهره سپاه

خان محمد شکرزایی یکی از مهره‌های ساواک رژیم سلطنتی در بلوچستان بود. او همدست سعیدی میرانشاهی و بارانزایی - خوانین و نمایندگان مجلس شاه - است. پس از انقلاب بهمین منافع او نیز مانند سایر مهره‌های رژیم گذشته به خطر افتاد. وی به یاری دوستان و یاران قدیمی‌اش منجمله برخی از امرای ارتش شاه شتافت. او نمایان جنبانیکاری را که قصد فرار از ایران را داشتند تا آسوی مرز ایران و پاکستان همراهی می‌کرد و از این بابت نیز مبالغه کزانی به عنوان حن‌الزحمه به چیب می‌زد. فامبرده با استفاده از وجود داماد خود در شهر تربت پاکستان، فراریان را تا فرودگاه کراچی بدرقه می‌کرد. بین سال‌های ۵۷ تا ۶۰ فرار دادن مهره‌های شاه شغل و حرفه اصلی وی بود. بعد از سال ۶۲ که حضور نیروهای پاسدار و کمیته‌ای در بلوچستان گسترش بیشتری یافت، تحت پیگرد قرار گرفت. بدین خاطر به پاکستان گریخت و مدتی در شهر تربت پاکستان بسر برد. او طی این دوره با دوست فزودیک خود عبدالرحمن مسئول سپاه عشاری روستای مرزی "پیشین" تماس برقرار کرد و از وی خواست تا جهت کسب برائت او سپاه پاسداران ایرانشهر یاری‌اش کند. شکرزایی در فاصله زدوبندیهای عبدالرحمن با سپاه پاسداران ایرانشهر توافق با همیالکی‌های قدیمی خود در شهرهای لوس آنجلس و نیویورک دیداری تازه کند. این ساواکی قاچاقچی پس از باؤگشت از آمریکا می‌گفت دیگر

ریشه‌های جمهوری اسلامی محکم شده و برای ۲۰ سال ماندنی است، نمی‌شود ژندگی را به این نحو مختل کرد. باید به خدمت این نظام درآمد. اوسیس توسط عبدالرحمن پیشینی به سپاه ایرانشهر معرفی شد و با تعهد خدمت به حکومت فقها به مزدوری رژیم درآمد. از این ژمان به بعد سیمای جنبانیکارانه وی بیش از پیش برای بلوچ‌ها بی‌وزنه مردم منطقه "سرباز" آشکار شد. از سال ۶۴ به بعد وی دست در دست ابیادی جمهوری اسلامی همراه با عناصری چون مسئول سپاه عشاری مرزی پیشین و یارمحمد معروف به محمد پُرز و فقیر محمد - سرسپرده رژیم عراق که خود را به جمهوری اسلامی فروخت - در راستای اجرای برنامه تروریستی رژیم کام برداشت. خان مژبور برای انجام وظایف خود داماد خویش منیرشاهی را از تربت پاکستان فراخونند و با تکیه به او امکانات سپاه و وظیفه اقدامات تروریستی رژیم در پاکستان را به عهده گرفت. چند ماه پیش ساواکی مژبور و تنی چند از پاسداران ملبس به لباس بلوچی جهت شناسایی نیروهای سیاسی ایرانی در مناطق مرزی و شهرهایی چون کویت و کراچی از مرز کشته وارد پاکستان گردیدند و پس از یک توقف کوتاه در شهر تربت تاژم کراچی شدند. نیروهای سپاه طی مدتی که او پیش تعیین شده بود به شناسایی پناهندگان سیاسی در کراچی پرداختند و موفق به شناسایی یک سری از مغازل نیروهای سیاسی منجمله نیروهای

حادثه باشد مسلح خوانین به سرکردگی خداداد میرلشاری از منطقه خارج و به کراچی گریخته است.

\* در اواخر آذرماه سال جاری سه تن از خانهای بلوچ بغامهای حاجی ابروئجان مبارکی، قدوس خان (سراوان) و حاجی سالی از بلوچهای آهوران درصدد برآمدند که بین فیروهای مسلح کریم خان و افراد محمد خان که بعلت رقابت های شخصی و بدست آوردن پول و امکانات بیشتر از اربابانشان با یکدیگر اختلاف دارند، صلح و روابط دوستانه برقرار کنند. کریم خان خواسته است که یک سوم پول و امکاناتی را که در دوسال اخیر از رژیم عراق تحویل گرفته به او بدهد و از نیروهای کریم خان سه گروه مسلح تشکیل و به هر کدام ماهانه ۲۰۰ هزار روپیه بپردازد. یا اینکه هر ماه یک سوم مبلغ دریافتی از عراق را به کریم خان بپردازد. محمد خان با این خواستهها مخالفت کرده و گفته است که از آنچه در گذشته به ما داده اند چیزی ندارم. ولی از زمانیکه گروه کریم خان با ما ارتباط برقرار کند منطقی به او خوارم بپردازم.

\* عیدی از افراد وابسته به گروه محمد خان است. اخیرا تعدادی از حدود ۵۰ قبضه مسلسل کلاشینکف که در اختیار وی بود، مفقود شده است. این موضوع خشم محمد خان رهبر گروه را برانگیخته و موجب بحث و جدل شدیدی بین این دو شده است.

از اعضای سپاه زاهدان، حاج باقری مزدور رژیم در چاه بهار، سراج فرمانده سپاه زاهدان و حکیم تیموری دست به ایجاد شبکه ای جهت جعل و نشر اسکناسهای صد تومانی زد. جعل اسکناسها در نوار مرزی در خاک پاکستان انجام می گرفت و سپس از کانال عبدالرحمن به امینی و به شبکه ایشان در سراسر استان می رسید پس از آنکه ابراهیم حوت - همکار سابق امینی و عبدالرحمن اطلاعات خود را در اختیار کمیته نهاد (در خبر مزدوران جمهوری اسلامی، قاچاقچیان مواد مخدر در بلوچستان به چگونگی این همکاری اشاره شده است) مامورین کمیته به کتب نظامی فقیر محمد در خاک پاکستان در نوار مرزی حمله برده، با آر.بی. جی آنرا منهدم می کنند. در این حمله دوش از نیروهای باند مسلح فقیرمحمد به هلاکت رسیدند و ماشین چاپ اسکناس و تعدادی اسلحه موجود در کتب به تصرف کمیته درآمد. برخی از اعضای باند و افراد دست اندرکار، از این ماجرا جان سالم بدر بردند و در آذر ۶۶ به پاکستان گریختند.

### باند های مسلح خوانین

\* در درگیری هایی که چندی پیش در مناطق لشار و کفارک بین نیروهای محمدخان (از خوانین بلوچ) و رژیم صورت گرفت، چهار نفر از طرفین کشته شدند. پس از این

احقاق حقوق ملی آنها مبارزه می کند به او پیوستند. اما پس از آگاهی از ماهیت واقعی اهداف او از باند نامبرده رو برگرداندند و فقط عده معدودی جهت دریافت پول و از این طریق گذران زندگی با او ماندند. فقیر محمد جهت تبلیغ باند خود و ایجاد توهم در میان مردم و مهمتر از آن بخاطر تعهداتی که به رژیم بغداد سیده بود، هر از گاهی دست به عملیات نظامی در بلوچستان می زد. پس از مدتی او جهت دریافت باج از دولت جمهوری اسلامی به عبدالرحمن مشول بسیج عشایری روستای پیشین مراجعه کرده و از طریق وی موفق به کسب مبلغی پول می گردد. در این رابطه طرح تحویل عناصر اطلاعاتی رژیم عراق به فقیر محمد پیشنهاد می شود. معامله سر می گیرد و فقیر محمد طرح را به اجرامی گذارد. یکی از مامورین اطلاعاتی عراق به جمهوری اسلامی تحویل داده می شود و در ازای این عمل دو دستگاه ماشین تویوتا کروژ و مبلغی بین ۲۰۰ تا ۶۰۰ هزار تومان بعنوان دستمزد به او بپردازد داده می شود. نامبرده از آن پس بعنوان همکار نزدیک سپاه اقدام به فعالیت می کند. او در ارتباط با انتقال پاسداران از ایران به پاکستان جهت اجرای مأموریت های تروریستی نقش عمده ای ایفا کرد و با همکاری امینی رئیس سپاه پیشین و احدیور و محمد علی کشاورز

سیده شود. ابراهیم که چشم انداز تازه ای جهت کسب مفاخ بیشتر و در عین حال مقابله با عبدالرحمن می دید، پیشنهاد کمیته را پذیرفت. در آبانماه زمانیکه وی از انجام مأموریتی در پاکستان به خاک ایران باز می گشت، سپاه پاسداران درصدد برآمد که او را قبل از رسیدن به پیشین در آنسوی مرز ترور کند، اما موفق به انجام آن نشد. ابراهیم حوت پس از بازگشت کلیه اطلاعاتی را که راجع به رئیس سپاه پیشین و رئیس سپاه عشایری پیشین (امینی و عبدالرحمن) و باند قاچاق آنها داشت، در اختیار مسئولین کمیته نهاد. کمیته چینی ها که متوجه شده بودند طی یک دوره طولانی از چند سوسر شاری بی بهره مانده بودند، درصدد انتقام از سردمداران باند برمی آید. آنها با حمله به منزل عبدالرحمن در پیشین موفق به کشف ۱۴ کیلو مروئین، دو قبضه کلاشینکف و مقدار زیادی فشنگ گردیدند.

### مردان هزار چهره

فقیر محمد اسکائی رئیس یک باند مسلح و یکی از مزدوران دولت عراق در منطقه نوار مرزی ایران و پاکستان بود. او تا سال ۶۵ باور مرتب از رژیم صدام حسین پول و اسلحه دریافت میکرد. در ابتدای فعالیت این باند عده ای از عشایر بلوچ با این تصور که فقیر محمد در راه

### سرمایه های کلان، ...

بقیه از صفحه اول

نیست که نهادی بسان دیگر دوائر حکومتی از "استقلال" برخوردار باشد. اما برخی از شهروندان، در پشت این "به موجب قانون" چیزهای مهم دیگری را ضمیمه تشخیص دادند و از آن جمله بود نامه ای تحت عنوان "میلیارد رخصی و سرمایه گزاریهای حساب نشده" که در کیهان دولتی ۱۵ بهمن بازنتاب یافت. نویسنده مقاله، که از اطلاعات بکری درباره سازمان بیمه های اجتماعی برخوردار است، علت حساب پس ندادن وزارت بهداری و سازمان بیمه های اجتماعی را

فاش می سازد. در آنجا از جمله فاش شده است که سازمان بیمه های اجتماعی در مدت ۱۲ سال - از سال ۵۴ تا ۶۶ - مبلغ ۴۰۷/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ (یک تریلیون و ۴۰۷ میلیارد ریال) از اقشار مختلف مردم و عددا کارگران که به عبارتی آنها را بیمه شده می نامند، حق بیمه دریافت کرده است. پس علت تاخوردی روشن می شود، علت پاسخ ندادن و عدم حسابرسی قانونی دفاتر سازمان بیمه های اجتماعی و وزارت بهداشت و درمان، در "اندکی" مبلغ است.

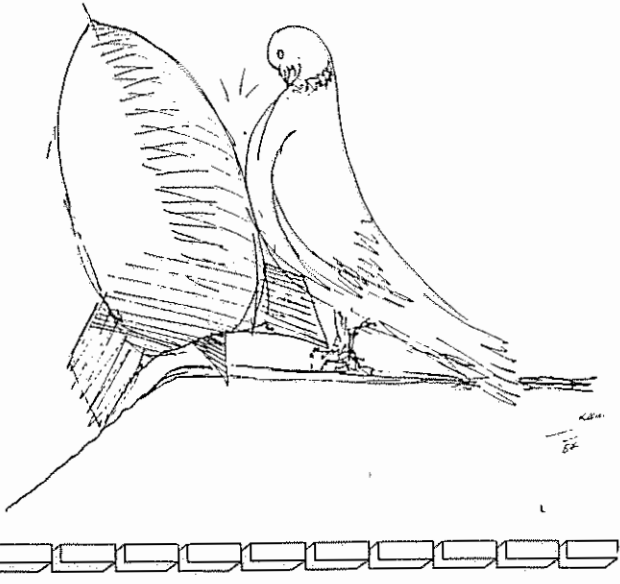
سازمان بیمه های اجتماعی که درآمدش تماما از حق بیمه پرداخت شده - حدود ۲۰ درصد حقوق کارگران و حقوق بگیران - تامین شده است،

دوسوم درآمد رادر عرصه های "عام المنفعه" و لزوما "به موجب قانون بدون حسابرسی" و یک سوم را در حساب وزارت بهداشت و درمان واریز کرده است. سازمان بیمه های اجتماعی با سرمایه گرد آمده میادرت به سرمایه گذاری در عرصه های پر سود شومده و از آن جمله است سرمایه گذاری در اتحادیه آلومینیوم، شرکت ضجاح، شرکت آتوا، شرکت اشتارت، عایق پلاستیک، که روح بیمه شدگان از کم و کیف سود و زیان این سرمایه گذاریها اطلاعی در کف ندارد.

بدین ترتیب "سازمان بیمه های اجتماعی" که ماحصل تکامل "سازمان بیمه کارگران" است، از سرمایه هنگفت گرد آمده که به تریلیون رسیده است، نه در عرصه بهداشت و درمان،

که در عرصه آلومینیوم و پلاستیک سود جسته و نه تنها در احداث بیمارستان و کلیفیک، گامی ننهاده است، بلکه با واریز کردن یک سوم از سرمایه به وزارت بهداشت و درمان، از وظیفه اصلی نیز سرباز زده است. وزارت بهداشت و درمان هم کمترین قدم موثری در حق بیمه شدگان برداشته و با عدم پرداخت به موقع حق ویویت پریشان، که گاه تا (۱ ماه به تعویق می افتد، دفترچه های بیمه درمانی را از اعتبار عملی ساقط و بیماران بیمه ای را از درمان محروم کرده است. سازمان بیمه های اجتماعی و وزارت بهداشت و درمان و آموزش های پزشکی، درست بهمین علت است که به موجب قانونی وظیفه ای جهت اعلام نحوه مصرف و صورتحساب حق بیمه های دریافتی راه هیچ دستگاهی ندارد.

## پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!



مطرود و منزوی

متن زیر که نفرت مردم از ایادی شیعی را از زبان یک پاسدار بیان می کند از روزنامه کیهان ۸ بهمن گرفته شده است.

رستوران که شدم مثل اینکه غریبه بودیم. تمام چشمها بطرفمان خیره شد صاحب رستوران در قدم اول سعی کرد ما را دک کند با لحنی گلیت: دستفراشه برج نداریم بهتر است به فلان رستوران که چند قدمی با اینجا فاصله دارد بروید ولی ما که خسته و گرسنه بودیم گفتیم: برج نمی خوریم ما نان و کباب راغنی هستیم. چند دقیقه‌ای که مشغول شام خوردن بودیم مثل بیماران مری می شدیم همه از حسا فوری می کردند و در این مدت هیچ خبری از پیشخدمتها نبود. خانوادهای وارد رستوران شدند واتی خواستیم بیول را بپردازیم صاحب چلوکبابی به یکی از پیشخدمتها گفت: پنج دست چلوکباب ببر برای آن عزیزان...



وارد شهر شدیم. چجه خینی گرسنه و خسته بودند، تصمیم گرفتیم در یکی از رستورانهای شهر چیزی بخوریم. شوم ولی چارهای نبود. وارد

عملیات خاتمه یافته بود و کار ما هم مسجنین. آفتاب داشت غروب می کرد که چجهما دوازده و پنججا شدند. از ایادان که گذشتیم هنوز بوی گاز خوردن از فضای آن محو نشده بود. صاحب غروب غماگیزی بود، از چجهما هیچ کس حرف نمی زد همه نوری خسروشان بسودند و فیسکر می کردند. دست در جیب کردم و وسیتنامه‌ای را که چند روز پیش نوشته بودم درآوردم و به آن نگاه می انختم. یاد آن روز افتادم. وسیتنامه را در شرایطی نوشتم که هواپیمای عراقی بکروز بمب خوشبای می‌رفتند و فرمانده سرگرم چجهماوری چجهما بود و من هم خنده و تند می‌نوشتم... سرم را بلند کردم، مسجنین همچنان با شتاب بسوی شهر می‌رفتند ساعت ۹ شب بود که



صرفه جویی

کننده زندگی من همین است. الان هم... بجا بید ببینید ایام تابستان بیکاری مختصری به اصطلاح، از درخت‌هایم یک مقداری خاکه و ذغال تهیه می‌کنم، و احتیاجی به گاز و بخاری و نفت این طرف و آن طرف و هزار گرفتاری را ندارم و همه ایجاد زندگی دینارم، نیز اینگونه است. این آخوند، افزود با این همه صرفه جویی، سرپرستی "۳ همر شهید را به عهده دارد. در قاموس جمهوری اسلامی، "سرپرستی همر شهید" به معنای سو استفاده از تیره‌روزی زنان کشته‌شدگان و "صیغه کردن آنهاست.

آخوند صالحی، نماینده اصفهان در مجلس: اگر ما تدبیر زندگی و مدیریت زندگی را چوری قرار بدهیم و بر اساس قناعت به آنچه خود داریم برنامه زندگی خود را تدوین کنیم، همیشه عزت مسلمین برقرار است و سالیان هزار بار دشبای استکیار و کفر، قدرت چنگیدن داریم، من با اینکه نمی‌خواستم هیچ وقت بگویم، ولی چاره‌ای ندارم می‌گویم خود عمل کرده‌ام و می‌کنم از باب نمونه ۲۰ سال پیش دوتا کرسی خریده‌ام به ده تومان، ۲۰ سال است همه وسایل گرم



کیهان

پنجمه ۸ بهمن ۱۳۶۶

بازار پشت بازار می سازند اما از مدرسه و بیمارستان...

خوب تازه می فهمیدم که تنها مشکل ما بازار است که همچون قلعه‌ای با آخرین تکنیکهای مهندسی و جراحی و تیلوفانی در وسط شهر بنا شده است. البته واضح و مبرهن است که تروت را همیشه در قلعه محفوظ می‌دارند تا از دستبرد چوری و چنگی بنور باشد! در هیچ جمایی نباید مدرسه را بصورت زینتی و تجمیلاتی بسطقل قلعه نمی‌سازند. چرا که علم را حفظ نمی‌کنند، چون به سختی بدست می‌آید پس نگهداری از آن آسان نیست به هکس تروت راه چون ساده بدست می‌آید باید از هر جهت فر نگهداری کوشا بود! مثلاً نمونه آن کتابخانه دانشگاه ادبیات اصفهان است که چندوی یکی آتش گرفت. اگر اهل علم دوراندیشان بودند کتابخانه را هم بشکل وکاسه می‌ساختند تا یک قلم هفته هزار کتاب نسوزد.

و از روی این به دراز می‌رود که بازار ابتدا فکر کردم مثل است ولی با کسی توجه دیدم به هتل شهابی لندره بسط فیسکر کردم بیمارستان است! باز هم نه مدرسه و یا... مدنی گذشت تا خون شرفند و سیمان و آهن شکل بنا را مشخص کرد. بنه قلعه‌ای زیبا و سا شکره برجلال است. ولی آخر وسط شهر قلعه نظامی چه می‌کنند؟ یک روز که دیگر طاقتم تمام شده بود از اتوبوس پیاده شدم و خودم را به ساختمان رساندم آجرهای نازک خوش رنگی در دست کارگران سیاهی و خشونت سیمان و آهن را پنهان می‌ساخت. راستی چه می‌توانست باشد؟ تابلوی زرد رنگ مشخصات کامل بنا را نوشته بود: پروژه بازار گوهر شاه، مجری طرح اداره اوقاف استان خراسان. گویی در شهر (مشهد) همه وسایل و کمبودها حل شده است مسطک کمبود مدارس با کلاهای هفته نقری با سه شصتده مسطک کمبود بیمارستان، مسطک کمبود مسکن و کمبودهای دیگر...

از آن گذشته علم را می‌خورد فر صرغفانی هم آموزش ولی آیا می‌خود هر چنین جایی جوراب

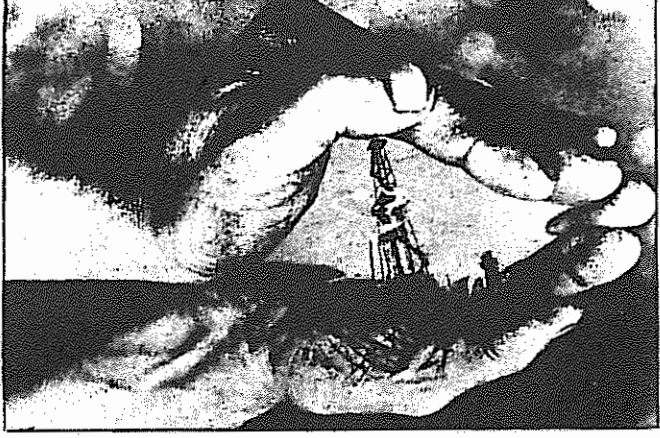
تب کردن خامنه‌ای

از موسوی اردبیلی سؤال شد: "ریاست جمهوری در نامه به امام مرقوم نمودند... آنچه من در نماز جمعه مطرح کردم در صورت لزوم روشن خواهیم کرد. بنظر شما چه موضوعی است که باید روشن شود." وی پاسخ داد: "ایشان (خامنه‌ای) با ما صحبت کرد و خدمت امام هم عرض کرده که نظرش چیست، ایشان این حرفها را مثل ما قبول دارد. ایشان سئوالی داشت که آیا ولی فقیه می‌تواند نظام را عوض کند؟ و چیز دیگری نبود." (رسالت ۲ بهمن)

در سمینار "تبیین ولایت مطلقه فقیه" در قم، موسوی اردبیلی قاضی القضاة خمینی به پرسشهای حاضرین در جلسه پاسخ داد. وی درباره علت عدم حضور خامنه‌ای در سمینار سراسری ائمه جمعه در تهران پس از سرزنش شتیدن از خلیفه چهارم گفت: "ایشان تب داشته و مریض بودند و من قبل وبعد از سمینار خدمت ایشان رسیدم. البته روز سمینار تب ایشان قطع شده بود، اما ضعف مفرط داشتند."



نفت



عکس از الکساندر پیتسین



# شهامت مصلوب

۱۴ سال پیش دانشیان و گل سرخی را تیرباران کردند



از آخرین شعرهای

رفیق خسرو گل سرخی

هیبه

نه آنکه نگرکتی سرد است  
که من در نهانم کولاک  
پنجا تمام همه‌های جهان را  
انبار کرده‌ام . در پشت خانهدام  
و در نگرکتک باغ آتشم به ستهایی  
من همه‌ام برادر خوب  
بشکنمرا، برای اجاق سرد انانقت آتشم بزن  
من همه‌ام برادر خوب.

بهمن ماه ۱۳۵۲ - سلول دو ، بند وسط  
اولین قدیم

تفاوت نم

شهامت مصلوب

بر دارم آن  
در این کوبر بسیط نیازمندی های عمومی .  
درناگریزی بی‌گبر این نیاز  
نسب را به قامت هریامداد  
آویختم

براین دهانه سیراب ناپذیر  
این نیاز  
باید که کورید این نیاز هرزه لراشی .  
برخیز و همراه ما بخوان ا  
چاووشی  
برانتحارنمات ترسویان  
در این شبان ساکت غمبار  
باید سینه  
سلاح شهامت ما باشد .

## و صبتنامه فدائیان خلق گل سرخی و دانشیان

و صبتنامه غیرارثی معدوم خسرو گل سرخی فرزند قدیر در سحرگاه روز  
۵۲/۱۱/۲۹

من یک فدایی خلق ایران هستم و شفاغنامه من جز عشق به مردم چیزی دیگر نیست . من خوشم را به توده‌های کرسنه و پابرهفته ایران تقدیم می‌کنم و شد آقایان فاشیست‌ها که فرزند آن خلق ایران را بدون هیچ گونه مدرکی به قتل گاه می‌فرستید ایمان داشته باشید که خلق محروم ایران انتقام خون فرزند آن خود را خواهد گرفت . شما ایمان داشته باشید از هر قطره خون ما صدها فدایی برمی‌خیزد و روژی قلب همه شما را خواهد شکافت شما ایمان داشته باشید که حکومت غیرقانونی ایران که ۲۸ سیاه مرداد به خلق ایران توسط آمریکا تحمیل شده در حال احتضار است و دیر یا دیر با انقلاب قهرآمیز توده‌های ستم کشیده ایران دروواژگون خواهد شد .

شاعر و نویسنده خلق ایران خسرو گل سرخی (امضا\*)

و ضمعا یک عدد حلقه پلاتین (طلا سفید) و مبلغ یک هزار و دویست ریال وجه نقد به خانوادهم یا و ندم بدهند .  
خون ما پیرهن کارگران ، خون ما پیرهن دهقانان ، خون ما پیرهن سربازان ، خون ما پرچم خاک ماست .

و صبت نامه غیرارثی معدوم کرامت الله دانشیان در سحرگاه روز ۵۲/۱۱/۲۹  
مردم ستم کش ایران همیشه فرزند آن جان پرکف خود را در راه مبارزه بسیار از دست داده‌اند . این شرط هر مبارزه و جفیشی است . فدکاری‌ها ، آن جان گلشنکی‌ها ، مقاومت‌ها کمر دشمن را خواهد شکست و این خام‌ترین خیال است که مدام فرزند آن مردم در اثر خیز انقلابی کشته شوند . این خیال فقط در ذهن دشمنان مردم می‌تواند وجود داشته باشد . جنبش اوج خواهد گرفت . همه گیر خواهد شد و کارگران ، کشاورزان و افسار تحت ستم و نندگی نوین و سعادت مند را صاحب خواهند شد . مرگ ناچیزترین هدیه ما برای پیروزی مردم است . هر مرگ دریچه ایست که بروی تبهایی ما بسته می‌شود و هر مرگ دریچه ای است که بروی دروغ ، فحشا\* فقر و کسرتگی بسته خواهد شد و آنگاه دریچه ای باز خواهد شد که از آن نور زندگی بپاید . باین نورتن بسپاریم ، به این نور .

فدایی مردم کرامت دانشیان  
(امضا\*)



هر خلقی ، به یکی از خصایل برجسته انسانی عشق و احترام ویژه ای دارد . حماسه‌هایی که نسل‌ها ، دهان به دهان و سینه به سینه به هم منتقل می‌کنند ، هر یک مهر و نشانی او یک بخصلت برجسته دارد ، خصلتی که لبخند لبها و برق چشمان مردم ، قدردانی از آن را باوتاب می‌دهد .

در فرهنگ ارزش کفاری مردم ایران ، مجموعه خصایلی که یک "پهلوان" را می‌سازند ، بسیار عزیزند . "پهلوانی" شهامت هم هست ، اما فقط این نیست . پهلوان ، جسور است ، فروتن است ، قلب مهربانی دارد ، راستگوست . . .

آنچه خسرو گل سرخی و کرامت دانشیان را در دل مردم ما اینقدر پرارج و قرب کرد ، حماسه پهلوانی آنها بود که رژیم شاه با نشان دادن دقایقی بسیار کوتاه او آن در تلویزیون ، اشتباه بزرگی مرتکب شد . فردای نمایش فیلم ، این حرفها دهان به دهان می‌گشت : "چه مردی !" "جوارشان کرد !" "عجب شجاعتی !" . . .

دانشیان و گل سرخی را دوباره بیدادگاه نظامی بردند . آنها در دو بار ، از خلق خود ، از شرف و حیثیت انقلابی و انسانی خود جانانده دفاع کردند و داغ ننگ برپیشانی رژیم شاه و مزدورانش کوبیدند . این سخنان برصلاطت گل سرخی تا ماهها در گوش ما طنین افکن بود :  
"مردم ایران باید بدانند من به خاطر آنکه دوستتان دارم کشته می‌شوم . جامعه ایران باید بداند که من در اینجا صرفا به خاطر داشتن افکار مارکسیستی محاکمه می‌شوم و در دادگاه نظامی محکوم به مرگ گشته‌ام . من در این دادگاه که آقایان و ژرنالیست‌های خارجی حضور دارند اعلام می‌کنم که علیه این پرونده و علیه حضور رای صادره از دادگاه نظامی عادی به تمام مراجع و کمیته‌های حقوقی و قضایی جهان اعلام بزم می‌کنم و این مسئله ای است که به واقع باید بدان توجه شود . دادگاه عادی حتی این وحمت را به خودش نداده که پرونده را بخواهد ."  
او دانشیان مردم بسیار کم دیدند و عقیدند . دفاعیات او آنچنان آتش به جانها می‌افکند که جز لحظاتی کوتاه ، چیزی از آن بخش نشد .  
"در بیدادگاه اول بها به شرایط فاشیستی حاکم بر آن ، دفاع مراناتمام بقیه در صفحه ۱۳

## رژیم ترکیه ۱۰ پناهنده ایرانی را به جمهوری اسلامی تحویل داد

رژیم آمریکایی ترکیه باردیگر ۱۰ پناهنده ایرانی را به جمهوری اسلامی تحویل داد. در روز ۱۹ بهمن (۸ فوریه) ۷ نفر و در روز ۲۲ بهمن ۲ نفر دیگر توسط مقامات ترک تسلیم دژخیمان خمینی شدند. از سرنوشته این عده هنوز هیچ خبری در دست نیست.

۱۰ پناهنده ایرانی همگی تحت پوشش صلیب سرخ بین‌المللی قرار

داشتند. پس از اقدام شکنین رژیم ترکیه، عده‌ای از پناهندگان ایرانی در ترکیه به عنوان اعتراض در برابر مقر نمایندگی صلیب سرخ در آنکارا گرد آمدند. مقامات صلیب سرخ به پناهندگان ایرانی گفته‌اند که از دست آنها شیو کاری ساخته نیست و دولت ترکیه این سازمان را شیو تحت فشار قرار می‌دهد.

رژیم اورن - اوزال سابقه

نفکینی در تحویل دادن پناهندگان ایرانی به جمهوری اسلامی دارد. مقامات آنکارا هر از چندی در چارچوب معاملات ضد بشری خود با حکومت فقها، چندن از پناهندگان ایرانی را تسلیم دژخیمان می‌کند.

هم‌میثقان ما در ترکیه که تروریسم هار خمینی آنها را به ترک دیار و مهاجرت واداشته است، به

همیستکی همه ما نیاز دارند. دست به دست هم دهیم و با اعتراضات خود، با جمع‌آوری کمک مالی و اعزام آن از تانانهای مظلوم برای موطئان آواره‌مان در ترکیه، و از هر طریق دیگری که می‌توانیم، به آنها یاری رسانیم. نکذاریم جان پناهندگان ایرانی دستخوش بند و بست‌های نفکین آخوندها و ژنرال‌های ترکیه شود!

## از زندگی مهاجرین ایرانی در پاکستان

واداشتن آنها به باوکتت به ایران است. مهاجرین همواره به اخراج تهدید می‌شوند. روزنامه پاکستان تایمز در شماره ۱۲ دامبر خود می‌نویسد: "دولت پاکستان در حال آماده کردن مقدمات اخراج ۴۰۰ مهاجر غیرقانونی است که در شهرهای مختلف پاکستان وفندگی می‌کنند و بدون مدرک معتبر وارد پاکستان شده‌اند." این روزنامه سپس می‌افزاید اخراج شوفندگان آنها می‌خواهند بود که طی ۲ سال گذشته وارد پاکستان شده‌اند و موف به گرفتن "موقعیت پناهندگی" نشده‌اند. بدین ترتیب خطر اخراج اغلب ایرانیان مهاجر را تهدید می‌کند چرا که همه آنها "بدون مدرک معتبر" وارد پاکستان شده‌اند.

پلیس به صاحبان مغاؤل هشدار داده است که "اگر خانه‌های خود را در اختیار افراد فاقد مدارک قانونی مهاجرت قرار دهند مجازات خواهند شد" (دیلی فیوژ ۵ ژانویه). بدین ترتیب از نظر پلیس یک مهاجر از حق زندگی در زیر یک سقف هم محروم است. او مجبور است برای اجاره یک خانه پول کژافی بپردازد. با تبلیغات مسموم ضد پناهندگی میارزه کند و تا آنجا که می‌تواند او دید پلیس بفهان بماند.

هم اکنون بر اساس آمار غیر رسمی حدود ۱۵۰۰ ایرانی در کراچی زندگی می‌کنند اما طبق اظهارات آقای کلدالف ۱۰۰ اورتس رئیس کمیسیاریای عالی ساؤمان ملل - شعبه کراچی، تقها ۱۱۰ نفر تحت پوشش این نهاد قرار دارند. (دیلی فیوژ ۱۲ ژانویه) به عبارت دیگر قریب ۱۴۰۰ مهاجر ایرانی در کراچی بسر می‌برند که از هرگونه امکانی برای فجات او وضعیت موجود محرومند. دولت پاکستان تهدید به اخراج

روز ۲۹ دی (۱۹ ژانویه) یک پناهجوی ایرانی در کراچی دست به خودسوی با آب جوش زد. اود را اثر اقدام به موقه اطرافیان از مرگ نجات یافت و اکنون در بیمارستان بستری است. این پناهجویس او ماهها اقامت در پاکستان موفق به اخذ کارت پناهندگی از سوی دفتر کمیسیاریای عالی سازمان ملل فنده و در عرض فقط فرم شماره ۲ یعنی "فرم آوارگی" را دریافت کرده است.

یک رو قیل از این حادثه نیو تعدادی از پناهندگان و پناهجویان در اعتراض به عدم توجه مسؤلین دفتر کمیسیاریای عالی به خواستهایشان در مقابل ساختمان این دفتر دست به اعتصاب غذا زده بودند. این عده پس از چند روز توسط پلیس دستگیر شدند.

این گونه حرکت‌های اعتراضی که طی دو سال اخیر بارها بوقوع پیوسته است، گویای شرایط بغایت سخت و توانفرسایی است که زندگی در پاکستان را به شکفجه در یک زندان واقعی تبدیل کرده است.

پناهنده‌های ایرانی از زندان بیداد خمینی می‌گریزد. اما بعضی آفکه پا در خاک پاکستان می‌نهد با زندان دیگری روبرو می‌شود. او همان اولین لحظه ورود خطر دستگیری و باوکتت اجباری به ایران او را تهدید می‌کند. برخی از مهاجرین در همان زمان ورود دستگیر می‌شوند و برخی نیز قیل از آنکه بتوانند با دفتر کمیسیاریای عالی تماس بگیرند در راه کراچی دستگیر می‌شوند آنها می‌هم که خود را به شهرهای بؤرک و بویژه کراچی می‌رانند، هیچ روزی را بدون دلهره بسر نمی‌برند. سیاست عمومی دولت ضیا الحق که روابط برادرانه آن با رژیم خمینی بر کسی پوشیده نیست، اعمال فشار فزاینده بر مهاجرین و از این طریق

## حاکم شرع خمینی و مسئله کمبود کپسول گاز

بخشی از یک نامه :

مجموع مردم و قطعه قطعه شدن اوتداییر شدید امنیتی اعمال می‌کنند و اظهار می‌دارند که "رودروبی" روزها ادامه خواهد داشت و این "آقا" به سزای اعمالش خواهد رسید.

تعداد بی‌شماری زندانی شکنجه شده که آثاری چون محل‌های سوختگی عمیق، اثرات کابل، شکستگی‌های دنده، مهره، در بدن آنها مشاهده می‌شد و همچنین تعدادی زن که بر اثر کتک‌های شدید دچار سقط جنین شده بودند، در میان مراجع کنندگان بودند. این افراد هنگام رودروبی با خمینی با انداختن تف بر سر او، ار شتم خود را نشان حاکم شرع رژیم خمینی می‌کردند.

فیروهای جناح مقابل دارودسته خمینی برای وارد کردن ضربه هر چه کاری‌تر به حریف حتی برخی از زندانیانی را که خمینی احکام از ۵ تا ۳۰ سال زندان برایشان صادر کرده بود، با گرفتن دو روز مرخصی از تهران به نیاوند آوردند تا شکنجه‌های اعمال شده را شرح دهند. بالاخره خمینی اتهامات را پذیرفت و محل شکنجه‌گاه نیز در فیروزآباد در جاده خمینی اتهامات را پذیرفت و محل شکنجه‌گاه نیز در فیروزآباد در جاده نیاوند، باختران مجزه به انواع وسایل شکنجه علفی گردید. افراد دستگیر شده را در این محل مجبور می‌کردند بیرونده‌های از پیش تنظیم شده را امضا کنند. حداقل ۵ نفر که اسامی آنها افشاشد در ژویر شکنجه جان خویش را از دست داده‌اند. یکی از کسانی که مورد شکنجه مامورین حاکم شرع خمینی قرار گرفته است، یکی از شکنجه‌ها را به صلیب کشیدن و آویزان کردن کپسول گاز او هر کدام از پاهای، تشریح کرده است. مردم که این خبر را شنیده‌اند در شوخی‌های خود همین امر را علت ناپایی کپسول گاز در کشور ذکر می‌کنند."

"... در ولایت نیاوند، چند سالی بود که موجودی به اسم حسین که اخیراً معلوم شد اسم اصلیش مولانی است، در مقام حاکم شرع به قلدری و آزار اذیت مردم می‌پرداخت کمتر خانواده‌ای است که به طریقی از این فرد صدمه ندیده باشد. یا عزیزی از افراد خانواده اعدام شده یا شکنجه دیده به زندان افکنده شده است و یا اینکه مجبور به پرداخت باج و رشوه به این فرد گشته است. در میان گرفتار شدگان به چنگال خمینی از چند تن از قضات دادگستری، یژشکان و آموزگاران نیز می‌توان نام برد. مدتی پیش بر اثر کشکشانها و رقابت‌های میان مسؤلین رژیم در نیاوند و به دلیل نزدک بودن انتخاب مجلس برده از بسیاری چنایات حاکم شرع بیرون افتاد که اکنون ماجرای آن دهان به دهان بین تمام اهالی نقل می‌گردد.

بر حسب اتفاق یکی از نزدیکان آخوفا زمانی به تیغ خمینی گرفتار آمده و زندانی می‌شود که پس از مدتی، آزاد می‌شود. وی پس از آزادی نژد زمانی رفته و آثار شکنجه را به نماینده مزبور نشان می‌دهد. زمانی که موضوع را برای وارد آوردن ضربه به حریف مناسب می‌یابد. مساله را به کمیسیون‌های مجلس و محافل حکومتی می‌کشاند. "حکومت شرع" از خمینی گرفته می‌شود و خودش زندانی می‌گردد. برای تبلیغ و عوامفریبی از مردم خواسته می‌شود که هر کس که زندانی دارد و یا زندانی شکنجه شده و آزاد شده بوده است، برای رودروبی با خمینی به محل دادگستری نیاوند مراجعه کند. در دادگستری غوغا می‌شود. شاید نیمی از مردم نیاوند به این محل مراجعه می‌کنند. مسؤلین برای حفظ خمینی از

# وضعیت پناهندگان ایرانی در زندانهای پاکستان

به نقل از بولتن کانون پناهندگان ایرانی - کراچی

"هم اکنون دههاتن از ایرانیانی که در جستجوی پناه میهن خود را ترک گفته اند در زندانهای شهرهای مختلف پاکستان در شرایط اسفباری بسر می‌برند. اکثر آنها قبل از رسیدن به دفاتر کمیسیاری عالی سازمان ملل (UNHCR) در شهرهای کوئته و کراچی، در پاسکاهای بین راه توسط پلیس و به جرم ورود غیر قانونی به خاک پاکستان دستگیر شده‌اند و عده‌ای نیز هفتگی که قصد خروج از پاکستان و یارسیدن به کشورهای پناهنده‌پذیر را داشته‌اند، دستگیر و روانه زندانها شده‌اند.

اکثر آنان هم اکنون در زندانهای کراچی، لاهور، کوئته تربت و پیشاور بسر می‌برند. پلیس پاکستان در بسیاری از موارد بر اساس منفعت طلبی شخصی، دارائی ناچیز پناهجو را از چنگش درمی‌آورد و او را روانه زندان می‌کند. پلیس پاکستان چه بر اساس خصوصیات فرهنگی فردی اش به عنوان یک شهروند متوسط یا نین پاکستانی و چه به عنوان عضوی از ارگان حفظ نظم موجود در پاکستان اساساً بازندان ایرانی که از حمایت مستقیم در حکومت پاکستان برخوردار نیستند، برخوردار نمی‌تند. تقییر آمیز و در جهت نفی حقوق انسانی دارد و این برخورد در مورد ایرانی زندانی شکل عمیق‌تری بخود می‌گیرد. در زندانهای پاکستان مواردی بوده است که یک ایرانی به علت اینکه قصد خروج غیر قانونی از پاکستان را داشته بیش از ۱۲ ماه قبل از تشکیل دادگاه در زندان بسر برده است. در بسیاری از موارد دادگاه فی‌ز نه رأی جدا از طریق رشوه برای آزاد شدن، بلکه مکمل آن است. پناهجوی ایرانی اگر در برخورد با اولین پلیس می‌توانست با مبلغ یکی دو هزار روپیه خود را از "قافون" ورود غیر قانونی به پاکستان برهاند، پس از زندانی شدن و در پروسه تشکیل دادگاه تا تعیین جرم و آزادی بیش از ده هزار روپیه باید خرج کند. پلیس پاکستان بانوجه به اینکه در این موارد بایک "خارجی" سروکار دارند، تشریفات غیر ضروری"

راکنار می‌گذارند و گاه منشی دادگاه و افراد پلیس به دور "متهم" حلقه می‌زنند و او دارائی خود را به عیان بین آنها تقسیم می‌کند. در برخی موارد در داخل زندان و یا برای انتقال زندانی اوقل و زنجیرهای دست و پا استفاده می‌شود که آثار زخم مربوط به آن در چند مورد زندانیان آزاد شده مشاهده و تایید شده است. در بسیاری از موارد، مواد خوراکی که برای زندانی فرستاده می‌شود به دست او نمی‌رسد و پور را باید به شیوه‌های مخفیانه از ملاقاتیان دریافت کند. دریافت پول از خارج از زندان ظاهراً برخلاف قوانین زندانهای پاکستان است و این در حالی است که برای انتقال و بازگشت زندانی به دادگاه از او تقاضای ۲۰۰ تا ۲۰۰ روپیه و یا بیشتر می‌شود و بسیار اتفاق افتاده که زندانی چون پولی نداشته است دادگامش در چندین شوبت چند ماهه به تعویق افتاده است. زندانهای پاکستان همه در یک مورد باهم اشتراک دارند و آن نبود کوچکترین اثری از شرایط انسانی است. در بند و شان اسباب بازی کودکان مدفوع آفتابست. یکی از دوستانیکه به تازگی از زندان "سغترال چیل" کراچی آزاد شده است در یکی از نامه‌های خود به ما نوشته است:

"... اینجا زندانیان را مانند حیوان مایی می‌دانند که فقط قدرت تکلم دارند و باید در اصطبلها بمانند با تمام فضولات. در یک بارک (بند) تقریباً ۲۴ × ۸ متری حدود ۲۰۰ نفر می‌خوابند. در عین حال بعضی‌ها حتی یک زیرانداز ندارند و توالت‌های اینجا را چاله مافقد درست کرده‌اند که ۲۴ ساعته فضولات در آن می‌مافد و چون درب ندارد، انواع یشه‌ها، سوسکها و مورچه‌ها در آن پرسه می‌زنند... شیشها در روز روشن از سر و روی زندانیان بالا می‌روند. لباس زندانیان بخاطر نبود بود لباس شویی و صابون و آب مافقد قیرسیاه و کثیف است... در مورد دستشویی، لباس ظرف و بدن باید از چاه آب گرفت. چاه که فقط یک چاه به

اصطلاح در "NEW JAIL" (زندان جدید) وجود دارد و آنهم روباز که اکثر زندانی‌های قدیمی در داخل چاه حمام گرفته و خود را می‌شویند البته با صابون، تازه شما باید با آن آب به دستشویی رفته، ظرف خود را بشویید و حتی بعضی وقتها بخاطر کمبود آب از ظرف آشپزخانه می‌آیند و آب را برای ریختن در داخل هذا استفاده می‌کنند و حتی بعضی وقتها از آب چاه که بوی تعفن و طعم ادرار را می‌دهد برای نوشیدن استفاده می‌کنند. همه اینجا باعث بیماریهایی از قبیل سل، کچلی، ورم معده، عفونتهای روده که توام با خورشیدی است، ژئریویت (بیماری شدید لثه)، آبه‌های مزمن عفونت ریشه دندان و درد شدید آن، امراض ریوی، بیماریهای قارچی پوستی و... شده‌اند."

کمک‌های پزشکی و درمانی به بیماران زندانی به طرز اسفباری ارائه می‌شود. پناهجوی دیگری که به تازگی از زندان آزاد شده است در این مورد می‌گوید:

"... چهار نوع دارو در زندان توزیع می‌شود ۱- قرص اسهال LOMO PIL ۲- قرص درد و تب هر ۲-۳ سبیرین ۴- آنتی بیوتیک که فقط یک نوع آنهم اگر پارتی داشته باشی می‌توانی بگیری، مثل آمپی‌سیلین Ampicilin و پارتی شما باید خیلی کردن کلفت باشد تا از شربت Penicillin-500 استفاده کنی که غیر ممکن است. من به چشم خودم ملاحظه کردم که از یک آمبول آنتی بیوتیک برای ۲ نفر استفاده شد و از یک سرفک ۲۰ الی ۲۱ بار استفاده می‌کنند."

فشارهای روحی و عصبی چند چاشنی به علت دوری از جامعه ایران، نداشتن ملاقاتی، عدم توانایی به برقراری ارتباط با پاکستانی‌ها به خاطر مشکل زبان و نامعلوم بودن آینده در بعضی موارد عوارض بسیار عمیقی برای همیشه در زندانی باقی

می‌گذارد. تراکم زندانیان در یک سلول نیز غیر انسانی است. در مواردی به هر ۲ نفر ۲ متر مربع فضای زیست می‌رسد. غذای زندانهای پاکستان سوی آشکه فاقد مواد غذایی مورد نیاز حتی در پایین‌ترین حد خود می‌باشد، براساس ذائقه زندانیان پاکستانی تهیه می‌شود که بسیار دور از عادات ایرانیان است.

سفارت رژیم ایران نیز از وضعیت اسفبار پناهجویان زندانی در زندانهای پاکستان مطلع است و با استفاده از آن سعی می‌کند که در پناهجو این فکر را ایجاد کند که تنها راه آزادی وی راضی شدن برای بازگشت به ایران می‌باشد. قابل توجه این است که تاکنون علیرغم شرایط اسفبار زندانها، رژیم در این ترغیب خود نیز موفق نبوده است.

دفتر UNHCR کراچی با داشتن نام پناهجوی زندانی وارد پروسه آزادی وی می‌شود ولی این پروسه طولانی است و به چندین ماه می‌رسد. در پیشاور، لاهور و کوئته شاید به علت آنکه تقاضای زندانی مشکل‌تر به UNHCR می‌رسد فعالیت این سازمان کندتر است. در مجموع مجاری قاضوشی نیز در پاکستان از طریق پرداخت رشوه و یا اعمال نظر افراد صاحب نفوذ گشوده و با تسهیل می‌شود و چنین به نظر می‌رسد که UNHCR فاقد هر دو این عوامل می‌باشد.

کانون پناهندگان ایرانی - کراچی از هر گونه امکانی برای ارتباط و رساندن دارو، پوشاک، مواد غذایی و یا میوه و تلاش در جهت نقارت بر پروسه دادگاه هموطنان زندانی استفاده می‌کند. اما بدیهی است که بدون یاری ایرانیان آگاه، آنهایی که درد و رنج زندان جمهوری اسلامی را کشیده‌اند و یا از زبان برادر و خواهر و آشنایان خود شنیده‌اند، این شدنی نیست. برای کمک به پناهجویان ایرانی زندانی در پاکستان دست یاری همه انسانهای آگاه و دردمند را به گرمی می‌فشاریم."

شماره ۲۵ بولتن کانون پناهندگان ایرانی - کراچی

سازماندهی گسترده‌تر مبارزات مهاجرین در پاکستان حرکت کنند. حمایت جدی‌تر از مهاجرین ایرانی در پاکستان وظیفه همه نیروها، محافل ترقیخواه و دانشمندوست است.

و مبارزان از این زاویه وظیفه سنگینی بر دوش دارند. آنها باید با بکارگیری همه امکانات و با تکیه بر نیروی اتحاد همگان که تاکنون نیز نشان داده‌اند، در راستای

نمی‌دهد... چنین است که گهگاه یک مهاجر چغان افسرده و ناامید می‌شود که برای فرار از این وضعیت مشقت‌بار، راه فیستی را برمی‌گزیند مهاجرین ایرانی بویژه بخش آگاه

می‌کند. پلیس رشوه می‌گیرد و زندانی می‌کند. تروریست‌های جمهوری اسلامی ترور می‌کنند. کمیسیاری عالی سازمان ملل به خواستهای برحق مهاجرین پاسخ

## فیلیپین: اکینو، کودتاچیان و نیروهای انقلابی

مصاحبه ای با خوزه ماریا سیسون، از رهبران چپ انقلابی فیلیپین

"اکثریت" در شماره های گذشته خود، ضمن مقالات متعددی به اوضاع سیاسی فیلیپین پس از سرنگونی مارکوس پرداخت. از جمله در سال گذشته ترجمه مصاحبه ای با خوزه ماریا سیسون از رهبران چپ انقلابی فیلیپین و بختیارگذار حزب خلق (بایان) از نظر خوانندگان قشریه گذشت. در این شماره، ترجمه مصاحبه جدیدی را که ماهنامه "بولتن اطلاعاتی ضد امپریالیستی" چاپ آلمان فدرال با سیسون انجام داده است، درج می کنیم.

\* ژمینه های کودتای نافرجام ۲۸ اوت ۱۹۸۷ به دست گروهی از فقامیان به رهبری سرهنگ کریستو هوفاسان، که در فهم دسامبر ۱۹۸۷ دستگیر شد و تا آن هنگام متواری بود، کدامند؟

\*\* هم جناح آکینو و هم جناح اثریله (وزیر دفاع پیشین در زمان مارکوس و آکیگو - اکثریت) ایزاری در دست ایالات متحده اند. جناح آکینو کماکان از حمایت وزارت خارجه آمریکا برخوردار است. اما جناح اثریله نیز روابط خوبی با بخش هایی از پختاکون و سیا داشته است.

جناح اثریله، که گروه مسلح هوفاسان جزئی از آن محسوب می شود، با ارائه مدارکی فزود پختاکون و سایر باره تقلب های گسترده انتخاباتی توسط جناح آکینو، شکایت برد و پاسخ های مساعدی از ریچارد استیول ژنرال پختاکون، وابسته های نظامی ایالات متحده و شوربرت کارت، رئیس مرکز سیا در مانیل، دریافت داشت.

این پاسخ های مساعد به مثابه چراغ سبزی برای یک توطئه کودتا تعبیر شدند. بدین ترتیب ماجرای ۲۸ اوت ۱۹۸۷ پیش آمد. جنبه هایی وجود داشت که نشانگر این بود که هدفهای توطئه کودتا فراتر از اهداف کودتاها ظاهر می معمول بود.

\* آیا به نظر شما دولت ریگان یا مقامات مجین آمریکایی یا بخشهایی از نیروهای مسلح ایالات متحده در سلسله توطئه های کودتا از ژوئیه ۱۹۸۶ به بعد دخالت داشتند؟ نیکلاس پلات سفیر آمریکا چندین بار بطور غیر مستقیم تایید کرده است

کوی و افرادی در هنگام کودتای نافرجام ۲۸ اوت با هوناسان تماس داشته اند. و اخیراً نیز در مجلس کنگره "تحقیقات"ی درباره دخالت ادعایی آمریکا در این واقعه اعلام کرده اند. به نظر شما "سناریو"ی واقعی آمریکا در قبال دولت آکینو کدامست و ایالات متحده چگونه می کوشد با مبارزه مسلحانه روبه رند که تحت رهبری کمونیستهاست مقابله کند؟

\*\* تا ۲۸ اوت، تنها کودتاها ظاهری و شایعه هایی درباره کودتا وجود داشت تا بر آکینو اعمال فشار شود.

منشأ این اقدامات، آمریکابود که می کوشید وکلای مدافع حقوق بشر از کابینه آکینو کنار گذاشته شوند، از آکینو قول مساعد برای تمدید قرارداد پایگاههای نظامی آمریکا گرفته شود، پیروی از تحمیل های سیاسی صندوق بین المللی پول و بانک جهانی تقویت گردد و سیاست "جنگ با شدت کم" به پیش برده شود.

سناریوی واقعی آمریکا در سطح کاخ سفید و شورای امنیت ملی در این است که آکینو بر سر قدرت ننگ داشته شده و تضمین گردد که در خط آمریکا باقی خواهد ماند.

آمریکا تاجایی که ممکن است از آکینو در برابر جنبش انقلابی بهره می گیرد. اما ایالات متحده سایر امکانات رانیز در برابر خود باز نگه می دارد. از جمله این امکان که اگر آکینو شریخی خود را به پای یک ایزاری دست دهد، حمایت از او قیام شود. ادامه رشد جنبش انقلابی می تواند بدان بیانجامد که ایالات متحده از این بابت همه تقصیر را متوجه آکینو بداند.

\* همانگونه که مورد پذیرش همگان است، پایگاههای نظامی آمریکا کماکان مهمترین علاقه استراتژیک آمریکا در فیلیپین را تشکیل می دهند. از این گذشته، این پایگاهها تا مطبوع ترین مسئله در سیاست خارجی دولتند. به نظر شما این مسئله بالاخره چگونه حل خواهد شد؟

\*\* در همان صبح روز دهم نوامبر ۱۹۸۶، آکینو از طریق فیلیپ حبیب به آمریکا قول داد که پایگاههای ایالات متحده را پس از ۱۹۹۱ نیز فکند دارد.

این امر ظاهراً بخشی از توافق میان آکینو و اثریله بود.

رژیم آکینو قطعاً حفظ پایگاههای نظامی آمریکا پس از ۱۹۹۱ را به این بپایه توجیه خواهد کرد که فیلیپین دچار مصیقه مالی و نیازمند اجاره بپای پایگاههاست. \* رشد جنبش مسلحانه و غیرمسلحانه ایوژیسیون علیه دولت آکینو از هنگام کم به قدرت رسیدن او را چگونه ارزیابی می کنید؟

آیا هنوز هم مانند گذشته گمان می کنید نیروهای انقلابی می توانند ظرف سه الی پنج سال به "موازنه استراتژیک" بانیروهای دولتی دست یابند؟ اگر ایالات متحده تصمیم بگیرد با پیاده کردن نیرو و تسلیحات بسیار مجهز مداخله کند، این ارزیابی منتفی نخواهد شد؟

\*\* این ارزیابی که نیروهای انقلابی می توانند ظرف سه الی پنج سال پس از ۱۹۸۶، به موازنه استراتژیک دست یابند، در حال حاضر تخمینی محافظه کارانه است. همتقد کانی که خویش بیغانندت فکر می کنند و معتقدند این امر ظرف دو الی سه سال ممکن است.

باید در نظر گرفت که نظام حاکم، دستخوش یک روند تلاشی است، روندی که در جریان آن جناح های سیاسی عمده طایقات استثمارگر با حمایت عمده نظامی علیه هم وارد عمل می شوند. همچنین باید تناسب قوای فعلی میان انقلاب مسلحانه و دولت ضد انقلابی را در نظر گرفت. هم اکنون ۱۰ هزار چریک حرفه ای با سلاح های اتوماتیک، ۲۰ هزار رومفده دیگر چریک، چند هزار شبه نظامی که آموزش فیرد دیده اند و دهها هزار شبه نظامی که می توافند و نالیف پشتیبانی را برعهده گیرند، وجود دارند. پایگاه توده ای، دارای گستره ای برابر ۱۰ میلیون نفر تحت نفوذ ارگان های قدرت سیاسی مردمی و سازمان های توده ای است.

طرف مقابل، دارای ۴۰ هزار نفر نیرو در ۸۶ گردان عملیاتی، به اضافه ۱۲ هزار تن نیروهای پشتیبانی، ۵۰ هزار پلیس و ۵۰ هزار نفر پرسنل شبه نظامی است. برای دستیابی به موازنه

استراتژیک کافی است نیروهای انقلابی تنها ۲۵ هزار چریک حرفه ای با سلاح های اتوماتیک و سایر سلاح های دارای قدرت آتش زیاد داشته باشند. همانگونه که پیش از این نیز گفتیم، دیگر افزایش از ۱۰ به ۲۵ هزار نفر یک رویا نیست. رشد جنبش انقلابی مسلحانه، خود زاینده ادامه رشد آن است.

\* آیا درست است که بگوئیم مرحله دفاع استراتژیک، در روند تحول است؟ آیا تاکتیک "جنگ با شدت کم" به پیشروی جنبش انقلابی پایان نخواهد داد؟

\*\* این گفته شما که مرحله دفاع استراتژیک هنوز در روند تحول است، درست است. پس از طی این مرحله، مرحله موازنه استراتژیک و پس از آن، نهج استراتژیک فرا خواهد رسید. این مراحل، محتمل ترین راه تکامل مبارزه را تشکیل می دهند.

گمان نمی کنم سیاست "جنگ با شدت کم" با موفقیت تمام باشد. طرح آمریکا بدین قرار است که برای کشتار فیلیپینی ها، از فیلیپینی ها استفاده شود، به کادرها و پایگاه توده ای جنبش انقلابی ضربه وارد آید و جنگ روانی - از جمله قتل و کشتار - برای ارعاب مردم گسترش یابد.

کادرها و نیروهای انقلابی در برابر دشمن بی دفاع و از میان بردنی نیستند. کشتار و کوچاندن اجباری، تنها به اعتبار رژیم دست نشانده لطمه خواهد زد و مردم بیشتری را متقاعد خواهد ساخت که به جنبش انقلابی پیوندند.

\* قرارگاه سیا در فیلیپین، برای مراقبت دراز مدت، جنگ روانی و حمایت مالی از گروهها و مزدور و جوخه های مرگ، ۱۰ میلیون دلار دریافت داشته است. پاسخ جنبش انقلابی به عملیات پنهانی سیا چه خواهد بود؟

\*\* ایالات متحده، پیروزه سیا و پختاکون، می خواهند با قتل فعالین سازمانهای قانونی توده ای و ائتلافهای علنی، جنبش انقلابی را ریشه کن کنند. پاسخ منطقی جنبش انقلابی این است که مبارزه مخفی را تقویت و فعالیاتی را که دیگر قادر

## از رنج و رزم زنان کارگر

### \* گزارشی از وضعیت یک کارگاه بافندگی در ترکیه

کردن پشت بامها برعهدهشان است، یکی از همکارانشان که در مورد تعویق پرداخت دستمزدش اعتراض کرده بود. به شدت مورد اهانت قرار گرفته بود، همکار دیگری با لگد از دفتر کارفرما بیرون انداخته شده بود. ۴ تن از دوستانشان حق استفاده از غذا و چای در حین کار را از دست داده بودند. وقتی این چوا به سایر کارگران سرایت کرد، کارفرما نام آن را مقاومت جمعی گذاشت و پای ژاندارمری را به میان کشید؛ کتک زورده و اضافه کاری مجانی و... از جمله مجازاتهای دیگر بودند. در مقابل این فشارها و تهدیدها ۲۰ تن از کارگران مجبور به ترک کار شده و به همین تعداد نیز اخراج شدند. تعداد زیادی از عضویت سندیکا استعفا دادند. آخر سر تعداد کارگران به ۷۰ نفر و تعداد کارگران عضو سندیکا به ۲۰ نفر تقلیل یافت.

ژنان کارگر این کارگاه علاوه بر مبارزه برای سندیکا مبارزه دیگری را نیز به خاطر یک قرارداد مناسب علیه کارفرمایان ایلیک-ایش دنبال می کنند. که در این زمینه موفقیت هایی نیز داشته اند... کارگران این کارگاه به ارزان فروخته شدن نیروی کارشان واقفند و می گویند که در سندیکا خیلی چیزها آموخته اند و تصمیم رایج به ادامه مبارزه در راه سندیکارادارند.

به نقل از گزارشی در روزنامه جمهورییت چاپ ترکیه

"شایبه در حالیکه از درد معده شدید به خود می پیچید به سایر دختران کارگر با صدایی خفیف و حاکی از درد اشاره کرد که می خواهد به خانه شان برود. ساعت ۲ صبح شب بود و پنج ساعت و نیم بود که آنها به طور مداوم کاری کردند. همه به سوی درویدند و هر کس سعی می کرد کمکی بکند، ولی فایده ای نداشت چون که عصرها در را به رویشان قفل می کردند و تا ۸ صبح نیز دریاوتنی شد. یکی از کلیدها نود کارفرما و دیگری در دست فکهای بود. کسی چه می دانند که او چندمین خوابش را می دید. مدت ها دختران کارگر به دیوار می کوبیدند... بالاخره دریاوتند. شایبه را چند نفر به خانه اش که در همان نزدیکی بود بردند و با خواهرش که مجبور بود تا ساعت مقرر به جای شایبه کار کند برگشتند. در دوباره قفل شد. همه به این فکر می کردند که اگر اتفاق بدتری می افتاد چه می شد؟ اگر کارگاه آتش می گرفت؟ قبلا فقط مردان شب کاری داشتند. اکنون سه ماه است که این دختران برای این امر افتخار شده اند. آنان حاضر به استعفا از سندیکا و مبارزه برای آن نبودند و به همین علت از طرف کارفرما تحت فشار قرار داشتند. آنها می دانستند که این آخرین فشار خواهد بود. فشارها و آزارهای قبلی قابل شارس نبود. به عنوان کارگر بافنده استخدام شده بودند ولی مجبور بودند برای ساخته شدن یک طبقه تازه آجرها و سیاهان را حمل کنند؛ بعد از هر بار تکی تمیز

## شهادت مصلوب

بقیه از صفحه ۹

چه بدون ارتباط با سازمان چریکهای فدایی خلق ایران و تنها با الهام از اسناد و رهنمودهای سازمان، به فعالیت سیاسی ادامه داد. در سال ۴۹ یک بار دستگیر و در سال ۵۰ آزاد شد. مدتی پس از آزادی، با محفل رابطه برقرار کرد که طرح گروگان گیری و ن شاه و پسرش را برای آزادی زندانیان سیاسی در سر داشتند. گروه، پیش از اقدام، لو رفت و اعضای آن دستگیر شدند.

جارت دانشجویان هنگام دستگیری و بازجویی، و با نژد زندانیان سیاسی بود. در کمیته تیراز، در همان لحظات نخست پس از

سلحانه است.

واقعیت این است که بسیاری از جبهه های جنگ چریکی به حدی گسترش یافته اند که مراکز شهرها و مراکز استانها را شامل می شوند. روشن است که نظام حاکم دستخوش روند فروپاشی است. اما مسئله این است که جنبش انقلابی هنوز وسایل کافی برای به دست گرفتن قدرت در شهرها و حفظ آن را در اختیار ندارد.

انقلابیون السالوادور کوشیدند از پیروزی شیکاراکوئه الگو برداری کنند. اما آمریکا و ارتجاع محلی دیگر آماده جلوگیری از قیام مسلحانه در شهرها شده بودند. در فیلیپین، آمریکا و مرتجعین داخلی همواره مراقب بوده اند. یک اقدام شاکهائی به رهبری هسته اصلی ۱۰ هزار نفره، شانس موفقیت ندارد.

و اما راجع به فکر تبدیل مبارزه پارلمانی به شکل اصلی مبارزه برای تدارک قیام های مسلحانه باید بگویم جنبش انقلابی اگر به جمع آوری اسلحه از طریق حملات تاکتیکی ادامه ندهد، هرگز قادر نخواهد بود قیام مسلحانه شهری را رهبری کند.

وقتی می گویم مبارزه مسلحانه شکل اصلی مبارزه انقلابی است، این بدان معنی است که این شکل، مهمترین و شریک ترین راه حل مسئله محوری کسب قدرت سیاسی است. این به معنای محدود کردن اشکال علنی مبارزه نیست. این اشکال را می توان تا هر حد گسترش داد. اشکال قانونی، به پیشرفت جنبش انقلابی مسلحانه یاری می رسد. اما برای کسب قدرت سیاسی، اشکال قانونی مبارزه کفایت نمی کند.

به کارعلنی نیستند، بدان جذب کند، بگذارد تا جنبش دمکراتیک قانونی، خود را حفظ و تقویت کند، پسیدگی نظام را افشا نماید و ضربات متقابل به امپریالیستها وارد آورد.

جنبش انقلابی مجاز است به پرسغل نظامی، مقامات و تاسیسات آمریکایی حمله کند، زیرا ایالات متحده بغوبه خود می کوشد به تجاوز دائمی یاری رساند، عملیات پنهانی را رهبری کند و حتی رهبران و اعضای غیر مسلح سازمانهای ترقیخواه قانونی را بکشد.

جنبش انقلابی مسلحانه واقف است که دولت آمریکا تنها زمانی تحت فشار افکار عمومی و ادار به عقب نشینی از ویتنام شد که نیروهای آمریکایی متحمل تلفاتی معادل ۵۰ هزار کشته و صدها هزار مجروح شده بودند.

\* آيا شما در جریان برخی عقاید رایج هستید که می گویند راه درست پیروزی کامل جنبش انقلابی، قیام مسلحانه در شهرهاست و ژمان جنگ طولانی خلق به سر رسیده است؟ یک عقیده دیگر مبتنی بر پیشبرد مبارزه پارلمانی به مثابه شکل اصلی مبارزه در رژیم آکینو و پیوستن به شورش در صورت احیای حکومت فاشیستی است. نظر شما درباره این عقاید چیست؟

\*\* چه بخواهیم و چه نخواهیم، جنگ خلق در فیلیپین دراز مدت است. اکنون ۱۸ سال است که این جنگ ادامه دارد. سمت گیری به سوی قیام مسلحانه در شهرها، آفهم تنها با ۱۰ هزار سلاح اتوماتیک به عنوان هسته اصلی نیروها، به معنای در معرض نابودی قرار دادن جنبش انقلابی



پلیس فیلیپین برای مقابله با انقلابیون کمونیست آموزش می بیند

باو داشت، وقتی یکی از بازجوها به او توهین می کند به سرباز جرحه ورمی شود و با ضربات مشت، آنها را خونین و مالین می کند. بعد از آن، بازجوها هنگام بازجویی او، یکی دو متر فاصله را رعایت می کردند. جسارت کرامت، حتی برخی از مزدوران را واداشته بود که به او احترام بگذارند.

گل سرخی، شاعر خلق، در اسارت نیز از سخن باونایستاده، شعری که در صفحه ۹ چاپ کرده ایم، در اولین روزهای حیات خسرو، در بهمن ۵۲ سروده شده است.

در جریان تسخیر زندان قصر به دست مردم، وصیتنامه های گل سرخی و دانشجویان به دست سازمان ما افتاد.

## نقدنوسازی بر سطح و وضعیت کنونی علوم اجتماعی

وظایف مقرر شده در کفکره ۲۷ حزب کمونیست اتحاد شوروی، مساله تکامل آگاهی اجتماعی، این سرچشمه پایان ناپذیر توش و توان جامعه را، به مساله زنده و مبرمی بدل کرده است. موضوع دوجنبه متقابل مشروط و مبروط به یکدیگر دارد: جنبه اول، ضرورت ارتقای "کیفیت آگاهی" تا سطح ضوین دقت و شفافیت علمی، و بالندگی آموزش و فرهنگ، و اطلاع مندی و وسعت دید است. جنبه دوم این است که علم باید به اعتقاد و اعتقاد باید به عمل تبدیل شود. در این زمینه نقش ویژه ای بر عهده علوم اجتماعی است. تقویت بنیه اقتصادی وزیر ساخت جامعه، و دموکراسی سوسیالیستی و قلمرو تعلیم و تربیت مساله غاض و واحدی را تشکیل می دهند که برای تحلیل و بررسی تئوریک آن، وسعت نظر و برای کار بست عملی نتایج این بررسی هدفمند، و توانمندی ضرورت می یابد.

نوسازی (پروسترویکا)

انتقارات زیادی از دانش فلسفی دارد. امروز در این عرصه بریدن از واقعیت، بر یک روش خود ویژه "استدلال تئوریک" متکی می شود. آن هنگام بی به چنین گراشی می بریم که می بینیم چگونه آموزش لغین در زمینه شناخت حقیقت - بر مبنای حرکت از مشاهده زنده به سوی تفکر مجرد و از تفکر مجرد به سوی یراتیک - به شکل تحریف شده ای تفسیر شده و به کار بسته می شود. شناخت تئوریک همواره باید معیوف و عینیت واقعی باشد. در این گرایش عملا این هدفموند لغین زیر پا گذاشته می شود.

در عین حال گرایش دیگری وجود دارد که به همینان باید مورد توجه قرار گیرد: در غلغیدن به تجربه گرای و صرفا پردازختن به توصیف، کم نیستند آن دسته از آثار فیلسوفان، ویا دیگر دانشمندان علوم اجتماعی، که صرفا بر روی توصیف مشاهدات و یا این یا آن پدیده و رخداد متمرکزند، بی آنکه به تعمیم تئوریک آنها بپردازند.

ما باید از این امر به شدت ناخرسند باشیم که چرا دانش شوری در زمینه تحقیق مسائل پیچیده مربوط به "انسان و راههای فعالسازی عامل انسانی" عقب مانده است. به مسائل مربوط به دنیای درون انسانها باید بهای بسیاری داد. دقیقا حول معین مسائل است که بیشترین رویارویی های ایدئولوژیک صورت

می گیرد. متأسفانه قلمرو موضوعات اخلاقی - فلسفی تا حد زیادی ناشناخته مانده است. نتیجه آن شده است که هنگامی که یک نفر به مسائل "جاودانه" و فشار آور معنی و مفهوم زندگی، تصمیبات اخلاقی و مستدل سازی اخلاقی کردار خود می اندیشد، کم پیش می آید که به فیلسوفان و اخلاق شناسان حرفه ای رجوع کند.

در زمینه کار بر روی کمونیسم علمی نیز وظایف کمی وجود ندارد، هرچند که بحث بر روی موضوعات، قوانین و مقولات آن بیش از یک ربع قرن است که آغاز شده. این بحث طولانی، مغزوب بسته نشده است. تجویبی هم ندارد، چرا که یک خصلت صوری یافته است، در دایره آگاهی "ثاب" می چرخد و خود را محدود به تشریح ذهنی این یا آن مقوله، و دیدگاههای مغفرد و بعضا دلخواهانه فرموله شده می کند. آثار که در زمینه کمونیسم علمی نوشته شده اند اساسا به دسته حاشیه نویسی و آثار دره دوم تعلق دارند. مولفین عمدتاً به امر انکشاف نظریات و مفاهیم می پردازند و روندهای واقعی را در مرکز توجه قرار نمی دهند.

در جامعه شناسی نیز به همینان وضع بغرنج شده است. بسیاری از آثار جامعه شناسی در سطح فاوولی از کیفیت قرار دارند. مولفین اغلب صرفاً به توصیف ثاب، و تفسیر ساده شده مسائل تکامل اجتماعی و افکار عمومی بسنده می کنند. جامعه شناسی مغزوب چاپکاه خود را در علوم اجتماعی تعیین نکرده است.

رشته مطالعه بر روی روابط ملی نیز از توجه به واقعیت روگردان است. اثباتی مجموعه کثیری از ارزیابی های کهنه شده، دکماتیک و بیگانه از یراتیک در این رشته به مراتب فراتر از رشته های دیگر است. مغزوب این تضاد واقعی بررسی شده است که از چه رو با ازمیان رفتن اختلافات طبقاتی و تاثیر یابی بیشتر آرمانهای مشترک در شیوه زندگی و روان انسانها، اختلافات غیر طبقاتی حاصل از تفاوت در شکل، فرهنگ، آداب و رسوم، سن، ملیت و زبان نمود برجسته شونده تری می یابند. این موضوع باید به صورت جدی کاویده شده و بر روی چشم انداز آن پیش بینی صورت گیرد. باید بتوان از پیش برای تصحیح عملکرد سیاسی و بهبود برنامه های تکامل اجتماعی و کار تربیتی، آمادگی داشت.

در علم تاریخ بخش نه چندان کمی از دانشمندان، عمدتاً در این زمینه تخصص یافته اند که نظریات شبه علمی نویسندگان بورژوازی را افشا کنند، بی آنکه در این عرصه مباحث را مورد مطالعه مستقلانه قرار دهند، ایده های علمی خودشان را ارائه کفند و از نظریات ارائه شده نقادی به عمل آورند.

تاریخ حزب به عنوان یک

علم، مسائل درجه اولی را در برابر ما قرار داده است. تعداد متخصصین تاریخ حزب کمونیست اتحاد شوروی کم نیست، اما در این زمینه مغزوب مسائل مهم بسیاری کاوش نشده باقی مانده است. اخیراً برخورد انتقادی به آن دسته از تاریخ نگاران حزب، که بر حقایق چشم پوشیده اند، فزونی گرفته است. عدم پیروی اواصل تاریخی گری، زدودن نام و نقش شخصیت ها در روندهای تاریخی، به جا گذاشتن "لکه های سفید" (بخش های نمانوشته) در تمام طول دوره ها، و تصویرگری شاتیک و بی رنگ؛ اینانند اهم افتقاداتی که به حق متوجه تاریخ نگاران حزب است.

دوره های مهم و پیچیده و متعددی در تاریخ حزب ما می بایست از نو مورد مطالعه قرار گیرند. لازمه وفاداری کامل به اصل تاریخی گری و اصل حقیقت جویی این است که اؤهر مرحله درسهای لازمه گرفته شود. درجه ویژه شوسازی، دانش ژرفش یافته در زمینه گذاشته، خدمت شایانی به حال و آینده می کند.

### دمکراسی در علم

وظایف بسیار مهمی در پیش روی ما قرار دارد. یک پرسش داغ و حاد این است که تحول در علوم اجتماعی، در پرتو سازمان یابی کنونی کار تحقیقی و درجه اخلاقی امروزین نهادهای تحقیقاتی تا چه حد پیش خواهد رفت؟ پاسخ این پرسش پیش از همه بستگی به افکشاف دمکراسی در علم و اخلاق علمی دارد. دموکراسی در علم یک شیوه فرهیخته حل تضادهاست و نه حل تضادها به صورت اجباری. بردباری و احترام در برابر نظریات دیگران، به هیچ روجه معنی صرف نظر کردن از موضع خود نیست. این شیوه فرهیخته بر پایه خود آگاهی و احترام بدان از سوی دیگران است، بر پایه قابلیت روشنی افکندن بر روی مسائل و روشن ساختن انسانهاست، و نتیجتاً متکی بر اصلیت راستین است که جدا

از یک اخلاقیات و انانیت.

علنیت و شفافیت آن ابوارهایی است که جامعه به کمک آشنایه عرصه های زندگی و از جمله عرصه دانش راحت نظارت خود در می آورد. اگر شفافیت و علنییت گسترش نیابد محتوای کاری موسسات علمی نیز چندان تغییری نخواهد کرد.

علم تنها می تواند در جریان بحث ها و تبادل نظرهای سازنده تکامل یابد. بحث هایی باید درگیر شود که در جریان رویارویی نظریات، به منظور یافتن حقیقت، شناخت های فوینی از دل آنها زاده شود و در مقابل اؤبصت هایی باید اجتناب ورزید که حقیقت را اؤیل کرده می کشند. مدام سؤالات تاؤه ای سر بر می آورند و جوابهایی شو در برابر آنها گذاشته می شود. این پویایی نشان می دهد که حقیقت در احصاء هیچ کس نیست، اگر به فکته آگاه باشیم، بحث و گفتگوی علمی به یک فیروی محرکه شتاب برانگیز تبدیل می شود.

باید از برخورد متکبرانانه به پیشنهادهای افراد غیر متخصص اجتناب ورزید. شوسازی (پروسترویکا) میلیونها شهروند شوری را به مشارکت سیاسی فعال برانگیخته است. درک هر یک از آنها از مسائل دارای یک هسته ژربین حقیقت یک

زاویه دید تازه و بکرویک جهان نگری مستقلانه است. زوایای تاؤه همواره سرمنشا کشفیات شکفت آور بوده اند. فیروی های تکامل بخش علوم اجتماعی تماس با ژندگی است. آنجایی از نگرش تاریخی پیروی می شود که به گفته لغین "تئوری به عمل درآید، از طریق عمل ژنده باشد، از طریق عمل تصحیح شود و از طریق عمل به اثبات رسد." تاثیر در عمل و اثر بخشی واقعی نتیجه و در عین حال ضامن دموکراسی، علنییت و جوسالم تحقیق علمی است.

\* \* \*

روند پدید آمده به دنبال پلغوم کمیته مرکزی در آوریل ۱۹۸۵ و کنگره ۲۷ حزب کمونیست اتحاد شوروی در سال ۱۹۸۶ و تصمیبات پلغوم ژانویه ۱۹۸۷ امیدهای بسیاری برانگیخته و چشم اندازهای فوینی را کشوده است. جامعه به حرکت در آمده است. حرکت آغاز شده و بازگشتی در کار نیست.

جز مارکسیسم - لنینیسم خلاق چه چیزی می تواند و باید پیروی در اعماق را تضمین کند؟ چه چیزی جز دانش اجتماعی می تواند و باید به مسائل روؤکار ما و مساله تکامل سوسیالیستی پاسخ دهد؟

### موج اعتصاب در بریتانیا

از روز دوشنبه هفته گذشته (۸ فوریه) ۲۲۵۰۰ کارگر کارخانه‌های اتومبیل‌سازی فورد در انگلستان دست به اعتصاب زدند. از روزهای آخر هفته گذشته دریاوردان نیز در حال اعتصاب به سر می‌برند. کارگران معادن زغال سنگ نیز دست به اعتصاب زده و استخراج معادن را کاملاً متوقف کرده‌اند. اغلب مدارس در شهر لندن به خاطر اعتصاب معلمان به صورت تعطیل درآمده‌اند. پیش‌بینی می‌شود که حرکتی‌های اعتصابی علیه سیاست‌های کابینه مارگارت تاچر گسترش بیشتری یابد. تاچر از بودجه عمومی می‌کاهد، کارخانه‌های دولتی را به بخش خصوصی می‌سپرد، سیاست استخراج کارگران را پیش می‌برد، دستمزدها را پایین می‌آورد و بر فرخ خدمات دولتی می‌افزاید. مضمون همه اعتصابات مبارزه با این سیاست‌هاست.

### اخبار کوتاه

- \* جنبه فارابوندومارتی (اف. ام. ال. ان. - جنبه جهانی بخش در السالوادور)، سواپو (جنبه جهانی بخش در نامیبیا و کنتره ملی آفریقا (ا. ان. سی) با صدور بیانیه مشترکی که در سان‌سالوادور انتشار یافت، اعلام کردند اتحاد عمل انترناسیونالیستی خود را در عرصه جهانی علیه امپریالیسم، دیکتاتوری و نژاد پرستی گسترش خواهند داد.
- \* در هفته گذشته کنورکی مالکف، که پس از استالین ست دبیر کلی حزب کمونیست شوروی را برای مدت کوتاهی عهده‌دار بود، در سن ۸۶ سالگی درگذشت.
- \* اولین اجلاس هیات‌های نمایندگی اتحاد شوروی و چین برای حل اختلافات مرزی دو کشور پس از ۱۲ روز تبادل نظر در روز دوشنبه هفته گذشته در مسکو به کار خود پایان داد.
- \* درهایی‌تی، انتخابات شهرداری‌ها نیز مورد تحریم قاطع عموم خلق قرار گرفته است. در اولین انتخاباتی که صورت گرفت، تعدادی از مهندسان از شرکت کنندگان در انتخابات رئیس جمهوری نیز کمتر بود. بفا برآمار افزایش یافته اوسوی اپوزیسیون در انتخابات رئیس جمهوری تنها ۵ درصد واجدین شرایط شرکت داشتند.
- \* هفته آینده مذاکره بین دولت نیکاراگوئه و نیروهای کفتر (ضدانقلابیون) اوسر گرفته خواهد شد. دور قبلی مذاکرات، که به پیشنهاد دولت نیکاراگوئه بود، با انصراف نیروهای کفتر اقطع شده بود. عدم تصویب کمک پیشنهادی ریکان به کفتر در کنتره آمریکا، ضد انقلابیون را وادار کرده است پیشنهاد مذاکره را بپذیرند.
- \* در روز پنج‌شنبه هفته گذشته برای نخستین بار در طول سال جدید رهبران دو حزب عمده اپوزیسیون در کره جنوبی بایکدیگر دیدار کردند. مضمون دیدار بررسی امکان اتحاد حزب تجدید وحدت و دموکراسی (ا. د. ی. پی) و حزب صلح و دموکراسی (پی آر. دی) در جریان انتخابات مجلس بود.
- \* میخائیل گورباچف، روز ۱۵ ماه مه سال جاری رابه عنوان روز آغاز خروج نیروهای شوروی از افغانستان اعلام کرد.

### نزدیکی ترکیه و یونان

پس از دیدار سه هفته پیش تورکوت اوژال سخت‌وزیر ترکیه و باپاندرو نیخت‌وزیر یونان اعلام شد که در هفته گذشته کاندیدمیر وزیر خارجه ترکیه به یونان سفر کرده است. به دلیل اختلافات شدید، سالها بود که بین مقامات بلندپایه ترکیه و یونان، خاصه پس از حمله ترکیه به قبرس در سال ۱۹۷۴ دیداری صورت نمی‌گرفت. اختلافات بین ترکیه و یونان همراه یکی از مشکلات عمده رهبران ناتو بوده است.

### اعاده حیثیت از بوخارین

سخنگوی وزارت خارجه اتحاد شوروی در روز ۵ فوریه در یک کنفرانس مطبوعاتی اعلام کرد که از نیکلا، بوخارین اعاده حیثیت حقوقی شده است. بوخارین ۱۹ نفر دیگر در ماه مارس سال ۱۹۲۸ اوسوی دادگاه‌های شوروی به اتهام "توطئه برای سرنگونی دولت، رابطه با سازمانهای جاسوسی بیگانه، خرابکاری و تروریسم" به مرگ محکوم شده بودند.

اعاده حیثیت قضایی از بوخارین و بی‌مورد بودن اتهامات وارده به او در ۱۹ نفر متهم دیگر، پس از بررسی پرونده آنان اوسوی کمیسوی که پرونده قضاچه دوران استالین را بررسی می‌کند، اعلام شده است.

### از سرگیری مذاکرات سباسی در السالوادور

السالوادور به دست عمال حکومتی قطعه شده بود

اخیرا بر اثر فشار خلق، مبارزه اپوزیسیون انقلابی و همبستگی بین‌المللی، گروهی از ژندانیان سیاسی السالوادور آزاد شدند. به همین مناسبت به ابتکار کمیته دفاع از ژندانیان سیاسی (کوپس) تظاهراتی برگزار کردید که در آن ژندانیان سیاسی آزاد شده نیز شرکت داشتند. عکس‌و‌نگاره‌ای از این تظاهرات را نشان می‌دهد. شعارهایی که در دست تظاهرکنندگان است، چنین معنی می‌دهد: "پیروزی، "کوپس"، پیروزی خلق است.



### تداوم جنایتکاری‌های صهیونیست‌ها

در هفته گذشته اسحاق شامیر، وزیر دفاع اسرائیل در یک سخنرانی اعلام کرد که سرکوب فلسطینی‌ها در مناطق اشغال شده ادامه خواهد یافت. وی بار دیگر مخالفت دولت اسرائیل را با تشکیل یک دولت مستقل فلسطینی اعلام کرد و گفت اسرائیل یک سانسور بر آزادی‌های اشغال شده را نیز پیش نخواهد داد.

سیاست اعلام شده "سرکوب هر چه بیشتر" هر روز و هر هفته کشته‌ها و زخمی‌های بیشتر به جامی‌نشد. آخرین نمونه جنایتکاری‌های مؤدوران صهیونیست قتل یک نوجوان ۱۶ ساله است.

### در زندان‌های ترکیه

۲۰۰۰ زندانی سیاسی در زندان نظامی دیاربکر در ترکیه دست به اعتصاب غذا زده‌اند. خواسته زندانیان بهبود شرایط زندان و قتل شکنجه است. اخیرا رژیم ترکیه کنوانسیون منع شکنجه مجمع عمومی سازمان ملل را امضا کرده است، اما شکنجه در زندانهای ترکیه همچنان ادامه دارد.

اوسوی دیگر اعلام شد که یک دادگاه نظامی در استان دیاربکر ۲۰ نفر از اعضای حزب کارگران کردستان ترکیه (پ. ک. ک. ا.) را محکوم به مرگ کرده است.

جنبه آزادی‌بخش ملی فارابوندومارتی و جنبه دمکراتیک انقلابی که رژیم مشترکی را علیه رژیم دیکتاتوری دوارنه در السالوادور پیش می‌برند، با صدور اعلامیه مشترکی اعلام کردند که برای از سرگیری مذاکره سیاسی با رژیم برای پایان دادن به جنگ داخلی آماده‌اند. آنها روز ۲۲ فوریه را به عنوان روز از سرگیری مذاکرات پیشنهاد کرده‌اند. رژیم تاکنون پیشنهاد از سرگیری مذاکره را رد کرده است و علما نشان می‌دهد که خواهان تداوم خونریزی است. دستور قبلی مذاکرات بین اپوزیسیون انقلابی و رژیم حاکم به دلیل قتل رئیس کمیته مستقل حقوق بشر

### کنفرانس جهانی سندیکاها و امنیت اقتصادی بین المللی

شدند. قطعنامه پایانی کنفرانس ضمن محکوم کردن سلبه بانک های فراملیتی بویژه صندوق بین المللی پول و بانک جهانی بر اقتصاد کشورها خواستار سیستم جدید مالی و پولی بین المللی بر اساس همکاری های متقابل گردید و بر نقش سندیکاها در ایجاد سیستم همکاری های جدید بین المللی تاکید کرد. کنفرانس ضمن قدرانی از کفدراسیون عمومی کار فرانسه ( C.G.T ) که امکان برگزاری کنفرانس در پاریس را فراهم کرده بود بعد از سه روز کار فشرده در جوی دوستانه با موفقیت به کار خود پایان داد.

به دعوت کمیته برگزاری کنفرانس نمایندگانی از ایران نیز در کادر روابط سندیکایی در کنفرانس شرکت کرده بودند و در کمیسیون "جمله سلاح برای پیشرفت" سیاست ها و چنایات رژیم جمهوری اسلامی در بهم زدن امنیت منطقه خلیج فارس و پافشاری در ادامه جنگ ایران و عراق را افشا و محکوم کردند.

در روزهای ۲۰ و ۲۱ فوریه ۱۹۸۸ کنفرانس جهانی سندیکاها و امنیت اقتصادی بین المللی در پاریس برگزار شد. در این کنفرانس ۱۲۸ سازمان سندیکایی ملی، منطقه ای و بین المللی از ۷۴ کشور جهان شرکت کرده بودند. این کنفرانس به دعوت یک کمیته برگزاری بین المللی تشکیل یافته بود و با حضور نماینده دفتر سازمان بین المللی کار ( F.I.T ) وابسته به سازمان ملل متحد شروع به کار کرد و در ادامه کار خود دو کمیسیون بزرگ تشکیل داد. نمایندگان در دو گروه کار جداگانه مسائل "سندیکاها برای همکاری اقتصادی عادلانه بین المللی" و "سلاح برای پیشرفت" را مورد بررسی و بحث قرار دادند و نظریاتشان را راجع به امنیت اقتصادی و خلع سلاح و نقشی که سندیکاها می کارگری در این موارد باید داشته باشند به تفصیل بیان داشتند. نمایندگان کنفرانس خواستار لغو بدهی های کشورهای در حال توسعه به انحصارات فراملیتی

### نقدنوسازی بر سطح و وضعیت کنونی علوم اجتماعی

نوسازی (پرسترویکا) در اتحاد شوروی، به فقد سطح و وضعیت کنونی علوم اجتماعی فاشته است. دگم ها کنار زده می شود، ساده اندیشی ها و ذهنی گرایی ها زایل می شود و مارکسیسم - لنینیسم صلابت، پویایی و شادابی خود را بازمی یابد. بخشی از یک مقاله الکساندر یا کولف عضو دفتر سیاسی و دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی در این زمینه، معراج در نشریه "کمونیست" (شماره ۸ سال ۱۹۸۷) در صفحه ۱۴ به چاپ رسیده است. در این مقاله ابعاد مختلف نقد نوسازی بر رشته های مختلف علوم اجتماعی در شوروی تشریح شده بر کسی ها و کاستی های مختلف انگشت نهاده شده است.

### منتشر شد



راهنمای آموزش تئوری مارکسیسم - لنینیسم

کتاب "راهنمای آموزش تئوری مارکسیسم - لنینیسم" از انتشارات سازمان قذافیان خلق ایران "اکثریت" منتشر شد. این کتاب با این هدف نگاشته شده که خوانندگان آن برای مطالعه آثار بنیانگذاران مارکسیسم لنینیسم شیوه صحیح و علمی را بشناسند و بتوانند دانش تئوریک خود را ژرفا بخشند و مه چنانچه کنند. این کتاب همچنین راهنمای شناخت شیوه های مشخص تدبیر آثار بنیانگذاران

این کتاب بر کار مستقلانه برای کسب دانش که اساس تبدیل دانش کسب شده به عقاید شخصی است، تاکید می کند. در پیش گفتار نقل قولی از لنین در این زمینه آورده شده است که: "بدون کار مستقلانه در هیچ مسئله منعی نمی توان حقیقت را دریافت. کسی که از کار می هراسد در واقع خود را از امکان کشف حقیقت محروم می کند."

مارکسیسم لنینیسم بر عمل انقلابی است. کتاب "راهنمای آموزش تئوری مارکسیسم لنینیسم" از بخش های زیر تشکیل شده است: \* مضمون و هدف آموزش تئوری مارکسیسم لنینیسم \* شیوه کتاب خواندن \* استفاده از اطلاعات روزمره \* استفاده از ادبیات \* آموزش سیاسی و خودآموزی

برای اشتراک نشریات «کار» و «اکثریت» در خارج از کشور فرم زیر را پر کرده و همراه با معادل بهای اشتراک، تمبر پستی و یا رسید بانکی پرداخت بهای اشتراک به آدرس نشریه ارسال نمایید:

بهای اشتراک	<input type="checkbox"/> شش ماهه	اروپا	دیگر نقاط
نشریه «کار»	<input type="checkbox"/> یک ساله	۱۱ مارك	۱۳ مارك
		۲۱	۲۴

بهای اشتراک	<input type="checkbox"/> سه ماهه	اروپا	دیگر نقاط
نشریه «اکثریت»	<input type="checkbox"/> شش ماهه	۲۷ مارك	۳۰ مارك
	<input type="checkbox"/> یک ساله	۱۰۲	۱۱۵

آدرس کامل (لطفاً خوانا بنویسید)

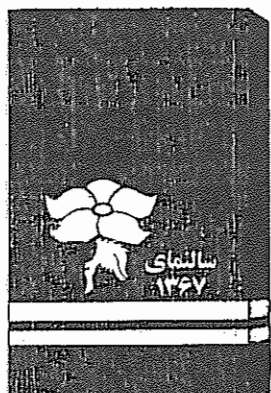
**AKSARIYAT**  
NO.195  
MONDAY, 26 FEB, 88

آدرس: Address:  
RUZBEH  
POSTFACH 1810  
5100 AACHEN  
W. GERMANY

حساب بانکی:  
**AUSTRIA - WIEN**  
**BAWAG**  
(BANK FÜR ARBEIT UND WIRTSCHAFT)  
NR. 02910701.650  
**DR. GERTRAUD ARTNER**

با جمع آوری کمک مالی  
قذافیان خلق را در انجام  
وظایف انقلابی  
یاری دهید

### سالنهای ۱۳۶۷



سالنهای سال ۱۳۶۷ انتشارات سازمان قذافیان خلق ایران منتشر شد. در سالنهای سال ۱۳۶۷، به مناسبت دهمین سالگرد انقلاب ۲۲ بهمن، بر رویدادهای روزهای قیام و وقایع انقلاب تاکید ویژه ای شده است.